

اعلامیه‌ها و کنوانسیونهای بین‌المللی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

اعلامیه جهانی حقوق زبانی

کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی

اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی

اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد

نشر از: آدوح (جنبش دانشجویی آذربایجان)

بسم الله الرحمن الرحيم

اعلامیه جهانی حقوق بشر

مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م.

مقدمه:

از آنجا که شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد،

از آنجا که عدم شناسایی و تحقیر حقوق منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده، آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است،

از آنجا که اساسا حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد،

از آنجا که اساسا لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد،

از آنجا که مردم ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجددا در منشور اعلام کرده اند و تصمیم راسخ گرفته اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری بوجود آورند،

از آنجا که دول عضو متعهد شده اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تامین کنند،

از آنجا که حسن تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد، کمال اهمیت را دارد،

مجمع عمومی این اعلامیه جهانی را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام میکند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع، این اعلامیه را دائما در مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که به وسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسایی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایی که در قلمرو آنها می باشند تامین گردد.

ماده ۱ - تمام افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده ۲ - الف/ هر کس می‌تواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصا از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، نسب یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد.

ب/ به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل تحت قیمومت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده ۳ - هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده ۴ - احدی را نمیتوان در بردگی نگاهداشت و داد و ستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.

ماده ۵ - احدی را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

ماده ۶ - هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود.

ماده ۷ - همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و بالسویه از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به طور تساوی از حمایت قانون بهره مند شوند.

ماده ۸ - در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع موثر به محاکم ملی صالحه دارد.

ماده ۹ - احدی را نمیتوان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید نمود.

ماده ۱۰ - هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعایش به وسیله دادگاه مستقل و بیطرفی منصفانه و علنا رسیدگی بشود و چنین دادگاهی در باره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزایی که به او توجه پیدا کرده باشد، اتخاذ تصمیم بنماید.

ماده ۱۱ - الف/ هر کس که به بزه کاری متهم شده باشد بیگناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمینهای لازم برای دفاع او تامین شده باشد تقصیر او قانونا محرز گردد.

ب/ هیچکس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل به موجب حقوق ملی یا بین المللی جرم بدان تعلق می‌گرفت در باره احدی اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۲- احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده ۱۳ - الف/ هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

ب/ هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک نماید یا به کشور خود باز گردد.

ماده ۱۴ - الف/ هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار، پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.

ب/ در موردی که تعقیب واقعا مبتنی به جرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهایی مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمیتوان از این حق استفاده نمود.

ماده ۱۵ - الف/ هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد.

ب/ احدی را نمیتوان خودسرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

ماده ۱۶ - الف/ هر زن و یا مرد بالغی حق دارد بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در کلیه امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی می باشند.

ب/ ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود.

ج/ خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.

ماده ۱۷ - الف/ هر شخص منفردا یا به طور اجتماع حق مالکیت دارد.

ب/ هیچکس را نمیتوان بدون مجوز قانونی از مالکیت محروم کرد.

ماده ۱۸ - هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می باشد و نیز شامل آزادی تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کس می تواند از این حقوق منفردا یا مجتمعا به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد.

ماده ۱۹ - هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن، با تمام وسائل ممکن و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.

ماده ۲۰ - الف/ هر کس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیتهای مسالمت آمیز تشکیل دهد.

ب/ هیچکس را نمیتوان مجبور به شرکت در اجتماع کرد.

ماده ۲۱- الف/ هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگان که آزادانه انتخاب شده باشند شرکت جوید.

ب/ هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نایل آید.

ج/ اساس و منشاء قدرت حکومت، اراده مردم است. این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریقه ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تامین نماید.

ماده ۲۲- هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه مقام و نمو آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منافع هر کشور به دست آورد.

ماده ۲۳- الف/ هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.

ب/ همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.

ج/ هر کس که کار میکند به مزد منصفانه و رضایت بخشی ذیحق می شود که زندگی او و خانواده اش را موافق شئون انسانی تامین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسائل دیگر حمایت اجتماعی، تکمیل نماید.

د/ هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها نیز شرکت کند.

ماده ۲۴- هر کس حق استراحت و فراغت دارد و بخصوص به محدودیت معقول ساعات کار و مرخصیهای ادواری، با اخذ حقوق ذیحق می باشد.

ماده ۲۵- الف/ هر کس حق دارد که سطح زندگی او، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبتهای طبی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری، بیماری، نقص اعضاء، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگری که به علل خارج از اراده او وسائل امرار معاش از دست رفته باشد از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار باشد.

ب/ مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصی بهره مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

ماده ۲۶- الف/ هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل، به روی همه باز باشد تا همه، بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره مند گردند.

ب/ آموزش و پرورش باید به طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادیهای بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید.

ج/ پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

ماده ۲۷- الف/ هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فوائد آن سهیم باشد.

ب/ هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.

ماده ۲۸- هر کس حق دارد برقراری نظمی را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین المللی، حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است تامین کند و آنها را به مورد عمل بگذارد.

ماده ۲۹- الف/ هر کس در مقابل آن جامعه ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد.

ب/ هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیتهایی است که به وسیله قانون، منحصرأ به منظور تامین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.

ج/ این حقوق و آزادی‌ها، در هیچ موردی نمی‌تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد.

ماده ۳۰- هیچیک از مقررات اعلامیه حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه را از بین ببرد و یا در آن راه فعالیت بنماید.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ خورشیدی در مجمع سازمان ملل تصویب شد و جهانیان این روز را به نام "روز حقوق بشر" جشن می‌گیرند.

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد- مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶

قطعنامه A 2200 قدرت اجرایی بنا بر ماده ۴۹، ۲۳ مارس ۱۹۷۶

دیباچه:

دولتهای عضو این میثاق:

با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، نظر به این که، حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است، با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهایی از ترس می باشد و دستیابی به این شرایط فقط به وسیله بهره مندی هر کس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است، با توجه به منشور ملل متحد، دولتها متعهد بر رعایت و احترام به حقوق و آزادیهای انسان و ترویج آنها در سراسر جهان می باشند، با درک این حقیقت که افراد نسبت به یکدیگر و اجتماعی که بدان تعلق دارند دارای مسئولیت در جهت اعتلا و ترویج رعایت حقوق شناخته شده مندرج در این میثاق می باشند، (دولتهای عضو این میثاق) با مواد زیر موافقت می کنند:

بخش یکم

ماده اول

۱- تمام ملتها حق خودمختاری دارند. به واسطه این حق، آنها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین می کنند.

۲- تمام ملتها میتوانند برای اهداف خود، بدون لطمه زدن به تعهدات ناشی از همکاریهای اقتصادی بین المللی که بر مبنای اصول سود متقابل و حقوق بین المللی، آزادانه (منعقد شده است) ثروتها و منابع طبیعی شان را مصرف نمایند. در هیچ موردی نمی توان ملتی را از وسایل امرار معاش خود محروم نمود.

۳- دولتهای عضو این میثاق، از جمله دولتهای مسئول اداره کشورهای مستعمره و تحت قیمومیت، باید در تحقق حق خودمختاری و احترام به این حق، طبق مقررات منشور ملل متحد، سرعت بخشند.

بخش دوم

ماده دوم

۱- هر دولت عضو این میثاق متعهد می شود که نسبت به افراد ساکن قلمرو و تبعه حوزه قانونی خود، حقوق شناخته شده این میثاق را صرفنظر از نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و یا عقیده ای

دیگر، و همچنین اصل و منشاء اجتماعی یا ملی، دارایی، نسب و یا وضعیت های دیگر، محترم شمرد و تضمین نماید.

۲- هر دولت عضو این میثاق در جایی که قوانین و تدابیری پیش بینی نشده است، متعهد می باشد که اقدامات لازم را بنابر روند قانونگذاری خود و مقررات این میثاق به عمل آورد. اتخاذ چنین قوانین و تدابیری به منظور اجرای حقوق شناخته شده این میثاق می باشد.

۳- هر یک از اعضای عضو این میثاق متعهد است که:

الف: تضمین نماید، فردی که حقوق و آزادی هایش که در این میثاق به رسمیت شناخته شده است، نقض گردد، باید وسیله ای جهت جبران خسارت موثر داشته باشد، هر چند این نقض به وسیله افرادی انجام گرفته باشد که در سمت رسمی خود قرار داشته اند.

ب: تضمین نماید، فردی که درخواست جبران خسارت می کند، باید به وسیله مقامات صالح قضایی، اداری و قانونگذاری و یا به وسیله هر مقام دیگری که به واسطه نظام قانونی کشور مقرر میگردد (مورد رسیدگی قرار گیرد) و همچنین امکانات جبران خسارت قضایی و حقوقی (تظلم خواهی) توسعه یابد.

ج: تضمین نماید که مقامات صالحه در صورت محرز شدن چنین خساراتی و ادار به جبران شوند.

ماده سوم

دولتهای عضو این میثاق تعهد می نمایند که برابری حقوق مردان و زنان در بهره مند شدن از تمام حقوق سیاسی و مدنی که در این میثاق بیان شده است، تضمین شود.

ماده چهارم

۱- کشورهای عضو این میثاق در زمان پیشامدهای اضطراری عمومی که حیات ملتی را تهدید میکند و وجود آن پیشامد به طور رسمی اعلام گردیده است، می توانند اقدامات لازم را خارج از مواد این پیمان و تعهدات خود نسبت به آنرا بنا بر وضعیت و مقتضیات به عمل آورند، مشروط بر این که این اقدامات متناقض با دیگر تعهدات حقوق بین الملل خود نباشد (و نیز) تبعیض انحصاری بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، منشاء مذهبی یا اجتماعی در بر نداشته باشد.

۲- (این اقدامات) نباید خارج از مواد ۶-۷-۸ (بند ۱ و ۲) ۱۱-۱۵-۱۶ و ۱۸ این قانون (میثاق) انجام گیرد.

۳- هر یک از کشورهای عضو این میثاق که از (حق) پیشامدهای اضطراری این پیمان استفاده میکند، باید بلافاصله موارد پیشامد اضطراری و دلایلی که موجب این اضطرار شده است را توسط دبیر کل سازمان ملل متحد به دیگر کشورهای عضو پیمان اطلاع دهد. (همچنین این کشور) اطلاعیه ای (مبنی بر ذکر) تاریخی که این پیشامد اضطراری پایان می پذیرد را صادر نماید و از طریق همان واسطه (دبیر کل) به اطلاع دیگر کشورهای عضو برساند.

ماده پنجم

۱- هیچ‌یک (از مواد) این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که بموجب آن حقی برای کشوری یا گروهی و یا فردی در جهت فعالیت و یا انجام هر عملی که باعث از بین رفتن هر یک از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق می‌گردد و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنچه که در این میثاق پیش بینی شده است، ایجاد نماید.

۲- هیچ نوع محدودیت و یا تخلف از حقوق اساسی بشر که در قوانین، پیمان نامه ها، آیین نامه ها و یا عرف هر یک از کشورهای عضو این پیمان شناخته شده است و یا وجود دارد، به بهانه این که در این میثاق (آن حقوق) به رسمیت شناخته نشده است و یا به میزان کمتری به رسمیت شناخته شده است، پذیرفته نخواهد بود.

بخش سوم

ماده ششم

۱- هر انسانی به طور ذاتی حق زندگی دارد. این حق باید به وسیله قانون محافظت گردد. هیچکس را نمی‌توان به طور دلخواه و خودسرانه از حق زندگی محروم نمود.

۲- در کشورهایی که مجازات اعدام لغو نشده است، حکم مرگ فقط باید برای مهمترین جنایات، آنهم بنا بر قانون لازم الاجرا در زمان ارتکاب جرم صادر شود و (نیز این حکم) نباید با مقررات این میثاق و میثاق منع و مجازات جرم کشتار دسته‌جمعی Genocide منافات داشته باشد.

۳- هنگامیکه سلب زندگی (صدور حکم مرگ) جرم کشتار جمعی باشد، (در این صورت) بدیهی است که هیچ چیزی در این ماده مجاز نمی‌شمارد که کشور عضو این پیمان از تعهداتی که به قوانین میثاق منع و مجازات جرم کشتار جمعی سپرده است، تخلف ورزد.

۴- هر فرد محکوم به مرگ، حق دارد که درخواست عفو و یا تخفیف جرم نماید. امکان اعطاء بخشش عمومی، بخشش فردی یا تخفیف مجازات مرگ در تمام موارد وجود دارد.

۵- حکم مجازات مرگ نباید برای جرمهایی که افراد زیر ۱۸ سال مرتکب شده اند صادر شود و (نیز این حکم) نباید در مورد زنان باردار اجرا گردد.

۶- هیچ چیز در این ماده جهت به تاخیر انداختن و یا منع الغای مجازات اعدام از طرف کشور عضو این میثاق، قابل استناد نمی‌باشد.

ماده هفتم

هیچکس نباید در معرض شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز و مجازات غیر انسانی و وحشیانه قرار گیرد. بویژه کسی را نباید بدون رضایت آزادانه اش در معرض آزمایشات پزشکی و علمی قرار داد.

۱- هیچکس نباید در بردگی نگاه داشته شود. بردگی و تجارت برده با تمام اشکال آن ممنوع می‌باشد.

۲- کسی نباید در خدمت اجباری نگاه داشته شود.

۳-

الف: هیچکس را نباید به کار اجباری و انجام عمل تحمیلی وادار نمود.

ب: بند سوم (الف) نباید برای کشورهایایی که اعمال شاقه را بمتابه مجازات جرم در نظر میگیرند، مانعی ایجاد کند، بدیهی است حکم چنین مجازاتی (مجازات مجرم با اعمال شاقه) باید به وسیله دادگاه صالحه صادر گردد.

ج: برای (روشن شدن) مفاد این بند، واژه کار تحمیلی و اجباری شامل موارد زیر نمی باشد:

I- هر کار یا خدمتی که به زیر بند (ب) عطف نشده است که معمولاً به فردی که در نتیجه حکم دادگاه تحت بازداشت است و یا به فردی که در حین برخورداری مشروط از این نوع بازداشت، تکلیف می‌گردد.

II- هر نوع خدمت شخصی نظامی در کشورهایایی که موضوع خدمت وظیفه به رسمیت شناخته نشده است، هر نوع خدمت ملی مقرر شده که به وسیله قانون خدمت وظیفه پذیرفته نشده است.

III- هر نوع خدمتی که در موارد اضطراری یا بلایایی که زندگی و رفاه جامعه را تهدید می‌کند، مقتضی می باشد.

III- هر کار یا خدمتی که قسمتی از تعهدات (اجتماعی) مدنی را تشکیل دهد.

ماده نهم

۱- هر کس حق آزادی و امنیت فردی دارد. هیچکس نباید تحت بازداشت و یا دستگیری خودسرانه قرار گیرد. هیچ کس نباید از آزادی خود محروم شود مگر در صورتی که قانون و مقررات آیین دادرسی حکم کند.

۲- هر کسی که دستگیر می‌شود باید در زمان بازداشت، دلایل دستگیری به اطلاع او رسانده شود و (نیز) باید بدون درنگ هر اتهامی که علیه او وجود دارد، به اطلاع رساند.

۳- هر کسی که به اتهام جرمی دستگیر و یا بازداشت می‌گردد، باید بی درنگ در مقابل قاضی یا دیگر مقام مجازی که به وسیله قانون، قدرت قضایی را اعمال می‌کند، آورده شود و شایسته است که در مدت معقولی دادرسی شود و یا آزاد گردد. نباید بازداشت و انتظار دادرسی افراد بصورت قاعده عمومی و کلی درآید، ولی در هر مرحله از رسیدگی قضایی، (متهم) ممکن است با تضمین آزادی (موقت) جهت حضور در دادگاه و به اقتضای حکم دادگاه موکول گردد.

۴- هر کسی که به موجب دستگیری و یا بازداشت، از آزادی اش محروم می‌گردد، حق دارد روند دادخواهی را بدین منظور که دادگاه بدون تاخیر در مورد غیر قانونی بودن بازداشتش تصمیم گیرد، دنبال نماید تا اگر بازداشت او غیر قانونی است (قاضی) دستور به آزادی او دهد.

۵- هر کس که قربانی دستگیری و یا بازداشت غیر قانونی شده است، حق جبران خسارت دارد.

ماده دهم

۱- تمام افرادی که آزادی آنها سلب می‌گردد (زندانیان) باید با آنها با انسانیت و احترام که حقیقت ذاتی شخص انسان است، رفتار شود.

۲-

الف- به جزء موارد استثنایی، افراد متهم باید از محکومین جدا نگاه داشته شوند و می‌بایست مشمول رفتار جداگانه ای، متناسب با وضعیت افراد غیر محکوم شوند.

ب- افراد جوان متهم باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و باید در اسرع وقت در مورد آنها قضاوت گردد.

۳- نظام ندامتگاه باید متضمن رفتار با افرادی باشد که هدف اساسی آن اصلاح آنان و اعاده حیثیت اجتماعی شان باشد. جوانان بزهکار باید از بزرگسالان جدا نگاه داشته شوند و (با آنها) متناسب سن و وضعیت قانونی شان رفتار گردد.

ماده یازدهم

هیچکس را نباید فقط بعنوان این که (او) قادر به انجام تعهد قراردادی خود نیست، زندانی کرد.

ماده دوازدهم

۱- هر کس به طور قانونی باید در قلمرو کشور، حق رفت و آمد آزاد و انتخاب آزادانه محل اقامت خود را داشته باشد.

۲- هر کس باید برای ترک هر کشوری که شامل کشور خود (نیز) است، آزاد باشد.

۳- حقوق یاد شده بالا نباید مشمول هیچ محدودیتی گردد، مگر آن که آن (محدودیت‌ها) برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی یا (رعایت) حقوق و آزادیهای دیگران، ضروری بوده و به وسیله قانون مقرر گشته است و با دیگر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد.

۴- هیچکس نباید از حق ورود به کشور خود، خودسرانه (بدون مجوز) محروم گردد.

ماده سیزدهم

هر بیگانه ای که به‌طور قانونی در قلمرو کشور عضو این میثاق باشد، فقط در صورتی از آن (کشور) اخراج می‌گردد که (این اخراج) پیرو تصمیمی مطابق قانون باشد، در غیر این صورت و در جایی که دلایل حتمی امنیت ملی ایجاب نکند، باید این اجازه به او داده شود که دلایل مخالفت خود را نسبت به (این اخراج) ارائه دهد. بدین منظور پرونده او با حضور نماینده ای که قبلاً تعیین کرده است و به وسیله مرجع صلاحیت دار و یا فرد یا افراد بخصوصی که از طرف مرجع صلاحیت دار تعیین شده اند، دوباره خوانی و رسیدگی می‌گردد.

ماده چهاردهم

۱- همه افراد در مقابل دادگاهها و دیوانهای دادگستری (از حقوق) برابر برخوردارند. در امور تصمیم گیری هر اتهامی علیه فرد و یا (علیه) حقوق و تعهدات مدنی او، هر کس باید حق داشته باشد که (اتهامات او) به وسیله یک دادگاه قانونی، صلاحیت دار، مستقل و بیطرف، به طور منصفانه و علنی، رسیدگی شود. مطبوعات و افکار عمومی ممکن است از تمام و یا قسمتی از دادگاه بدلائل اخلاقی، نظم عمومی و یا امنیت ملی در یک جامعه مردم سالار منع شوند. وقتی مصلحت زندگی خصوصی طرفین دعوی اقتضا کند و یا تا حدی که دادگاه در شرایط خاصی علنی بودن (جلسات) را زیان آور به مصالح دادگستری بداند، (محرمانه بودن جلسات دادگاه در تمام و یا قسمتی از دادرسی) امکان دارد، اما حکم صادره در امور کیفری و یا مدنی باید علنی باشد مگر آن که مصلحت افراد جوان ایجاب نماید و یا روند دادرسی، مربوط به اختلافات زناشویی یا سرپرستی اطفال باشد.

۲- هر کس که به ارتکاب جرمی متهم شده است این حق را دارد که بیگانه فرض شود تا مگر جرم او برطبق قانون ثابت شود.

۳- در مورد قطعی شدن جرم علیه فرد، هر کس حق دارد که با تساوی کامل، از حداقل حقوق تضمین شده زیر برخوردار گردد.

الف- بیدرنگ و به تفصیل با زبانی که او بفهمد، (باید) از نوع و علت اتهامی که به او نسبت داده شده است، آگاه گردد.

ب- وقت و تسهیلات کافی جهت تهیه دفاعیه خود و گفتگو با وکیلی که خود انتخاب کرده است، داشته باشد.

ج- بدون تاخیر موجه، دادگاهی شود.

د- در حضور خودش محاکمه شود. شخصاً از خود دفاع نماید و یا از طریق وکیلی که خود انتخاب کرده است (از خود دفاع کند). او باید از حقوق خود مطلع گردد که اگر وکیل ندارد، در صورتیکه مصالح دادگستری اقتضا می نماید و (نیز) در صورتیکه او توانایی کافی برای پرداخت (دستمزد وکیل) را نداشته باشد، بدون پرداخت هزینه ای، وکیلی برای او تعیین می‌گردد.

ه- از شهودی که علیه او (شهادت داده اند) بازپرسی کنند و یا بخواهند که از آنها بازپرسی شوند و تحت شرایط مشابهی که علیه او شهادت داده اند، شاهدانی جهت شهادت بنفع او حاضر شوند.

و- اگر او زبانی که در دادگاه بکار می رود را نمی تواند بفهمد و یا صحبت کند (باید) به طور رایگان مترجمی جهت کمک در اختیار او گذاشته شود.

ز- اجباری در شهادت دادن علیه خود و یا اقرار به مجرمیتش وجود نداشته باشد.

۴- آیین دادرسی در مورد افراد جوان باید مطابق سن آنها، مصلحت و اعاده حیثیت آنان در نظر گرفته شود.

۵- هر کس که مجرم شناخته می شود مطابق قانون (باید) حق داشته باشد که مجرمیت و محکومیت او به وسیله یک دادگاه عالیتر مورد تجدید نظر قرار گیرد.

۶- هر گاه شخصی حکم نهایی محکومیت جزایی گرفته است و بعدا در نتیجه یک کشف جدید با وجود شواهد قطعی معلوم گردد که محکومیت او در نتیجه یک اشتباه قضایی بوده است و حکم او نقض شود و یا مورد عفو قرار گیرد، او یعنی شخصی که در نتیجه این محکومیت و مجازات متحمل رنج و عذاب شده است، حق دارد طبق قانون اعاده جبران خسارت نماید، مگر ثابت شود که عدم افشای بموقع و چگونگی امر نامعلوم به طور کلی و یا جزئی متناسب به خود او بوده است.

۷- هیچکس را نباید به وسیله قانون دادرسی کیفری کشور، به جرمی که محکوم و یا تبرئه شده است، دوباره دادگاهی، محکوم و مجازات نمود.

ماده پانزدهم

۱- هیچکس را نباید به واسطه انجام عملی و یا ترک آن که بنا بر قوانین ملی و یا بین المللی جرم نبوده است در آن واحد محکوم نمود. همچنین نباید هیچ مجازات شدیدی را از آنچه در زمان ارتکاب جرم قابل اجرا بوده است، تعیین نمود. اگر پس از ارتکاب جرم مقررات قانونی دیگری وضع شود که مجازات ملایمتری را در بر داشته باشد، مجرم باید از آن مقررات استفاده نماید.

۲- هیچیک از مقررات این ماده نباید با دادرسی و مجازات شخصی که در هنگام انجام عملی یا ترک آن، بنا بر اصول کلی قوانین شناخته شده جامعه ملل، جرم نیست، منافات داشته باشد.

ماده شانزدهم

هر کس حق دارد در هر کجا در مقابل قانون، به مثابه یک شخص (حقوقی) شناخته شود.

ماده هفدهم

۱- هیچکس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه و یا مکاتبات، مورد دخالت خودسرانه (بدون مجوز قانونی) یا خلاف قانون قرار گیرد. همچنین نباید شرافت و حیثیت او مورد تعرض غیر قانونی واقع گردد.

۲- هر کس حق دارد که در مقابل این تعرضات و دخالت‌ها از حمایت قانون برخوردار شود.

ماده هیجدهم

۱- هر کس حق آزادی اندیشه، عقیده و مذهب دارد. این حق شامل اختیار و آزادی در پذیرش یک مذهب و یا عقیده ای، به انتخاب خود است. همچنین هر کسی، در بیان آشکار مذهب یا عقیده خود به طور فردی یا گروهی آشکارا یا در نهان و نیز انجام تعلیمات مذهبی خود اختیار و آزادی دارد.

۲- در این موارد، هیچکس نباید با زور و اجبار (روبرو گردد) و نیز نباید به آزادی او در پذیرش یک مذهب یا عقیده ای که بر اساس انتخاب خودش انجام گرفته است، آسیب رساند.

۳- در صورتی ممکن است آزادی بیان، مذهب یا اعتقادات کسی محدود گردد که بموجب قانون آنهم در جهت حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامتی اخلاق یا حقوق و آزادیهای اساسی دیگران، پیش بینی شده باشد.

۴- کشورهای عضو این میثاق، متعهد میگردند که آزادی والدین و سرپرستان قانونی را در مورد آموزش مذهبی و اخلاقی کودکانشان و مطابق با عقایدشان محترم شمارند.

ماده نوزدهم

۱- هر کس حق دارد که نظرات خود را بدون دخالت و مانع (دیگران) بیان دارد. (حفظ کند)

۲- هر کس حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی کسب دانش، گرفتن و دادن اطلاعات و هر نوع عقایدی، بدون توجه به چگونگی ارائه آن (آرایش) به طور زبانی یا نوشتاری یا چاپی و در شکل هنری یا بهر وسیله دیگری که خود انتخاب می‌کند، می‌باشد.

۳- اعمال حقوق ارائه شده در بند ۲ این ماده که همراه با وظائف ویژه و مسئولیت‌ها می‌باشد، ممکن است که تابع محدودیت‌های معینی قرار گیرد. این (محدودیت‌ها)، فقط باید بنا به ضرورت‌های ذیل و به وسیله قانون انجام گیرد:

الف) برای احترام حقوق یا حیثیت دیگران.

ب) حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی.

ماده بیستم

۱- هرگونه تبلیغ برای جنگ بموجب قانون ممنوع است.

۲- هرگونه ترغیب به تنفر ملی یا نژادی یا مذهبی که باعث تحریک به تبعیض و یا دشمنی و خشونت گردد، به موجب قانون ممنوع می باشد.

ماده بیست و یکم

حق تشکیل مسالمت آمیز مجامع به رسمیت شناخته می شود. هیچ محدودیتی در مورد اعمال این حق صورت نمی گیرد مگر مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و به طور ضروری در جهت نفع (مصلحت) امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادی های دیگران باشد.

ماده بیست و دوم

۱- هر کس حق آزادی (تشکیل) اجتماعات با دیگران را دارد. این حق شامل تشکیل و پیوستن به اتحادیه ها و برای حفاظت علاقه مندی ها و منافع خود می باشد.

۲- اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیتی نیست مگر این که این محدودیتها مطابق قانون آنهم در یک جامعه دموکراتیک و به طور ضروری جهت نفع (مصلحت)، امنیت ملی، ایمنی عمومی، نظم عمومی، حفاظت از سلامت و اخلاق عمومی و یا حفاظت از آزادی های دیگران باشد. (همچنین) این ماده مانع از آن نمی شود که اعضاء نیروهای مسلح و پلیس در اعمال این حق، تابع محدودیت های قانونی باشند.

۳- هیچیک از مقررات این ماده، کشورهای عضو مقاله نامه سازمان بین المللی کار، مورخ ۱۹۴۸ که مربوط به آزادی (تشکیل) اتحادیه و حمایت از حق متشکل شدن است، مجاز نمی شمارد که با اقدامات قانونگذاری و یا با نحوه اجرای قوانین به تضمین های ارائه شده در این مقاله نامه مخالفت کنند و به آن لطمه وارد آورند.

ماده بیست و سوم

۱- خانواده یک واحد گروهی و (جزء عنصر) بنیادین و طبیعی جامعه است و شایسته می باشد که به وسیله جامعه و حکومت حفاظت گردد.

۲- حق ازدواج و تشکیل خانواده برای مردان و زنانی که به این سن رسیده اند، به رسمیت شناخته می شود.

۳- هیچ ازدواجی بدون رضایت آزادانه و کامل زوجین منعقد نمی گردد.

۴- کشورهای عضو این میثاق، باید اقدامات مناسب را به منظور تامین تساوی حقوق و مسئولیت های زوجین در خلال انعقاد و فسخ ازدواج به عمل آورند. در مورد فسخ ازدواج باید برای حفاظت کودکان پیش بینی های لازم انجام گیرد.

ماده بیست و چهارم

۱- هر کودکی بدون هیچ‌گونه تبعیض (از قبیل) نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، ملیت یا منشاء اجتماعی، دارایی یا تولد (نسب) که به اقتضای وضعیت صغارت (خردسالی) ایجاد شده است، حق دارد از اقدامات حفاظتی (حمایتی) خانواده، جامعه و دولت برخوردار گردد.

۲- هر کودکی باید بی‌درنگ پس از تولد دارای نام گردد و به ثبت رسد.

۳- هر کودکی حق کسب تابعیت دارد.

ماده بیست و پنجم

هر شهروندی باید از فرصت‌ها (امکانات)، بدون در نظر گرفتن محدودیت‌هایی که در بند ۲ آمده است و (نیز) بدون محدودیت‌های نامعقول، حق داشته باشد که:

الف) در اداره امور عمومی، مستقیماً یا به وسیله انتخاب آزاد نمایندگان، شرکت کند.

ب) در انتخابات دوره ای صحیح که با آراء عمومی مساوی و مخفی انجام می‌گیرد و تضمین کننده بیان آزادانه خواسته انتخاب کنندگان است، (حق) رای دادن و انتخاب شدن دارد.

ج) (هر شهروندی) بنا بر شرایط کلی حق مساوی ورود به مشاغل عمومی در کشور خود را دارد.

ماده بیست و ششم

تمام افراد در مقابل قانون برابر هستند و بدون تبعیض، مستحق حفاظت (حمایت) مساوی در مقابل قانون می باشند. از این لحاظ قانون باید هر نوع تبعیض را مانع شود و برای تمام افراد حفاظت‌های (حمایت‌های) موثر و مساوی را علیه هر نوع تبعیض و در هر مرحله ای مانند نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و یا دیگر عقاید، منشاء ملی یا اجتماعی، دارایی، تولد (نسب) و یا هر وضعیت دیگری تضمین نماید.

ماده بیست و هفتم

در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی و یا زبانی وجود دارد، افرادی که متعلق به این اقلیت‌ها هستند را نباید از حق (تشکیل) اجتماعات با اعضای گروه خود و (نیز) بهره مندی از فرهنگ و اظهار و انجام (فرایض) مذهبی و یا کاربرد زبان خودشان، محروم نمود.

بخش چهارم

ماده بیست و هشتم

۱- یک کمیته حقوق بشر (از این بعد در این میثاق کمیته نامیده خواهد شد) تاسیس می‌گردد. این کمیته شامل ۱۸ عضو است و وظایفی که در بندهای بعدی (۲ و ۳) ارائه گردد را انجام می‌دهد.

۲- اعضای این کمیته از اتباع کشورهای عضو این پیمان تشکیل می‌گردد، (یعنی) کسانی که دارای نشانه های عالی اخلاقی بوده و صلاحیت آنان در زمینه حقوق بشر شناخته شده است. شرکت بعضی از افراد که در امور قضایی دارای تجربه هستند، مورد توجه (کمیته) می باشد.

۳- اعضای کمیته، انتخابی هستند و بنا بر صلاحیت شخصی خود (در این کمیته) خدمت می‌کنند. (نمایندگان رسمی دولت متبوع خود نمی باشند)

ماده بیست و نهم

۱- اعضای کمیته باید با رای مخفی و از فهرست افراد واجد شرایطی که در ماده ۲۸ آمده است و بدان منظور از طرف کشورهای عضو این پیمان نامزد شده اند، انتخاب گردند.

۲- هر کشور عضو این پیمان نمی تواند بیش از ۲ نفر را نامزد کند. این افراد باید تابعیت کشور نامزد کننده را دارا باشند.

۳- تجدید نامزدی برای یک فرد مجاز می باشد.

ماده سی ام

۱- اولین انتخابات دیرتر از ۶ ماه بعد از تاریخ به قدرت اجرایی در آمدن این میثاق انجام خواهد گرفت.

۲- حداقل چهار ماه قبل از تاریخ هر انتخاباتی در کمیته، به استثنای انتخاباتی که بنا بر ماده ۳۴ برای پرکردن محل خالی انجام می‌گیرد، دبیر کل سازمان ملل متحد می بایست از کشورهای عضو این پیمان جهت معرفی عضویت نامزدهای شان، ظرف سه ماه دعوت کتبی به عمل آورد.

۳- دبیر کل سازمان ملل متحد می بایست فهرستی به ترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که به این ترتیب نامزد (عضویت در کمیته) میشوند با نام کشورهایایی که آنها را (جهت عضویت) نامزد کرده اند، تهیه نماید و آنها را به کشورهای عضو این پیمان، حداکثر یک‌ماه قبل از تاریخ انتخابات ارائه دهد. انتخاب اعضاء کمیته می بایست در نشستی که دبیر کل سازمان ملل متحد از کشورهای عضو این پیمان به عمل آورده است، انجام گیرد. حد نصاب این جلسات دوسوم کشورهای عضو این پیمان می باشد و افرادی که برای (عضویت) کمیته انتخاب می‌شوند باید نامزدهایی باشند که بیشترین تعداد آراء را بدست آورده و حائز مطلق اکثریت آراء نمایندگان کشورهای حاضر و رای دهنده باشند.

ماده سی و یکم

۱- کمیته نمی تواند بیش از یک تبعه از هر کشوری (عضو) داشته باشد.

۲- در انتخابات (اعضاء) کمیته می بایست توجه به رعایت تقسیمات منصفانه جغرافیایی اعضاء و نمایندگان اشکال مختلف تمدن‌ها و نظام‌های عمده حقوقی (قانونی) نماید.

ماده سی و دوم

۱- اعضاء کمیته می بایست برای مدت ۴ سال انتخاب شوند. آنها برای انتخاب مجدد مجاز هستند که نامزد شوند. اما مدت عضویت ۹ نفر از اعضاء انتخاب شده در اولین انتخابات می بایست در پایان ۲ سال منقضی گردد. نام این ۹ عضو می بایست بی‌درنگ بعد از اولین انتخابات به قید قرعه و به وسیله رئیس جلسه و بنابر ماده ۳۰ بند ۴ معین شوند.

۲- انتخابات در پایان دوره خدمت، بنا بر مواد پیشین این قسمت از میثاق حاضر به عمل خواهد آمد.

ماده سی و سوم

۱- هرگاه اگر یک عضو کمیته انجام وظائف خود را به هر علتی به جزء غیبت موقت، قطع نماید (و این عمل) به اتفاق آراء (مورد تصدیق) سایر اعضاء کمیته باشد، رئیس کمیته می بایست دبیر کل سازمان ملل متحد، کسیکه می باید اعلام نماید که صندلی این عضو خالی است (بلامتصدی) را (از این موضوع) مطلع نماید.

۲- در صورت فوت یا استعفای یک عضو کمیته، رئیس (کمیته) می باید بی‌درنگ دبیر کل سازمان ملل متحد کسی که می بایست خالی بودن (بلامتصدی) صندلی را از تاریخ فوت یا تاریخ موثر استعفا اعلام نماید، مطلع گرداند.

ماده سی و چهارم

۱- هرگاه خالی بودن صندلی (بلا متصدی بودن) طبق ماده ۳۳ اعلام گردد و مدت زمان تصدی عضو جایگزین، ظرف ۶ ماه از تاریخ اعلام بلا متصدی بودن، منقضی نشده است دبیر کل سازمان ملل متحد به کشورهای عضو این پیمان اعلام خواهد نمود که (میتوانند) ظرف ۲ ماه بنا به ماده ۲۹ برای پرکردن صندلی خالی، نامزدهای خود را معرفی نمایند.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد فهرستی به ترتیب حروف الفبا از تمام افرادی که نامزد (عضویت در کمیته) می‌شوند، تهیه خواهد کرد و آنرا به کشورهای عضو این پیمان ارائه خواهد داد. انتخاب برای پرکردن صندلی خالی (بلامتصدی) بنا بر مقررات مربوطه این قسمت از میثاق حاضر، انجام خواهد گرفت.

۳- هر عضو کمیته ای که برای پرکردن صندلی خالی اعلام شده بنا بر ماده ۳۳ انتخاب شود، باید برای بقیه دوره عضوی که صندلی او بنا به مقررات آن ماده (۳۳) خالی بوده است، عضو کمیته گردد.

ماده سی و پنجم

اعضاء کمیته با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بنا به شرایطی که مجمع عمومی تعیین می‌کند و با توجه به مسئولیت‌های مهم کمیته، از منابع (مالی) سازمان ملل متحد حقوق دریافت خواهند داشت.

ماده سی و ششم

دبیر کل سازمان ملل متحد کارمندان و تسهیلات لازم را برای اجرای موثر وظایفی که کمیته به موجب این پیمان به عهده دارد، در اختیار (کمیته) خواهد گذاشت.

ماده سی و هفتم

۱- دبیر کل سازمان ملل متحد اعضاء اولین نشست کمیته را به مرکز سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد.

۲- بعد از نخستین نشست، کمیته در زمان‌هایی که در آیین نامه داخلی خود، پیش بینی می‌کند، تشکیل جلسه خواهد داد.

۳- کمیته به‌طور معمول در مرکز سازمان ملل متحد یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو نشست خواهد داشت.

ماده سی و هشتم

هر عضو کمیته قبل از تصدی وظایف خود، می باید طی اعلام رسمی در جلسه علنی کمیته (تعهد کند) که او وظایف خود را در کمال بی‌طرفی و از روی وجدان انجام خواهد داد.

ماده سی و نهم

۱- کمیته می بایست (اعضاء) هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب نماید، آنها ممکن است دوباره انتخاب شوند.

۲- کمیته قوانین داخلی خود را، خود تنظیم خواهد نمود اما این قوانین می باید مشتمل بر مقررات زیر باشد:

الف) حد نصاب (رسمیت) جلسات ۱۲ نفر باشد.

ب) تصمیمات کمیته با اکثریت آراء اعضاء حاضر، گرفته شود.

ماده چهارم

۱- کشورهای عضو این پیمان متعهد می‌شوند از اقداماتی که برای ترتیب اثر دادن حقوق شناخته شده (در این میثاق) جهت پیشرفت در بهره مندی از این حقوق انجام داده اند، گزارش‌هایی ارائه دهند:

الف) ظرف یکسال از تاریخ لازم الاجرا شدن میثاق حاضر برای کشورهای عضو مربوطه.

ب) بعد از آن هر زمان که کمیته درخواست نماید.

۲- تمام گزارش‌ها باید به دبیر کل سازمان ملل ارائه گردد و او آنها را برای رسیدگی به کمیته ارجاع خواهد داد. گزارش‌ها می‌بایست به عوامل و مشکلاتی که در اجرای (مقررات) این میثاق اثر دارند، دلالت کند.

۳- دبیر کل سازمان ملل ممکن است بعد از مشورت با کمیته، رونوشت قسمت‌هایی از گزارش‌ها (که به امور تخصصی مربوط می‌شود) را به موسسات تخصصی که صلاحیت آن‌را دارند، ارجاع دهد.

۴- کمیته گزارش‌هایی را که به وسیله کشورهای عضو این میثاق ارائه گردیده است مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد داد. (سپس) گزارش‌های خود و نیز پیشنهاد های کلی که ممکن است مورد توجه و مناسب باشند را به کشورهای عضو این پیمان ارسال خواهد داشت. همچنین کمیته ممکن است این پیشنهادات همراه با رونوشت گزارش‌های رسیده از کشورهای عضو این پیمان را به شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه دهد.

۵- کشورهای عضو این پیمان می‌توانند بنا بر بند ۴ این ماده نظریاتی در مورد پیشنهادات اظهار شده را به کمیته ارسال دارد.

ماده چهل و یکم

۱- هر کشور عضو این میثاق می‌تواند بنا بر این ماده در هر زمان (اعلام کند) که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی شکایت‌هایی دایر بر ادعای یک کشور عضو این میثاق، مبنی بر این که کشور دیگری (عضو) تعهدات خود را انجام نمی‌دهد، به رسمیت بشناسد. بموجب این ماده شکایاتی دریافت و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که به وسیله کشور عضو این میثاق، شناسایی صلاحیت کمیته را نسبت بخود اعلام کرده باشد. هیچ شکایاتی را که مربوط به یک کشور عضو میثاق حاضر باشد و چنین اعلام شناسایی را به عمل نیاورده است، قابل پذیرش نخواهد بود. شکایاتی که به موجب این ماده دریافت می‌گردد به ترتیب زیر نسبت به آنها اقدام خواهد شد:

الف) اگر یک کشور عضو این میثاق تشخیص دهد که کشور دیگر عضو به مقررات میثاق حاضر ترتیب اثر نمی‌دهد، (آن کشور) می‌تواند با شکایت کتبی و آوردن (طرح) موضوع، توجه کشور عضو را جلب نماید. در ظرف ۳ ماه پس از دریافت شکایت (کتبی)، کشور دریافت کننده (آن) توضیح یا هرگونه اظهار کتبی دیگری جهت روشن شدن موضوع در اختیار کشور (فرستنده شکایت) خواهد گذاشت. (این توضیحات و اظهارات) تا حد امکان و به طور مناسب باید شامل اطلاعاتی عطف به قواعد دادرسی داخلی (آن کشور) و جهت جبران و اصلاح آن یا در جریان (رسیدگی به آن) یا آنچه که قابل استفاده در این موضوع است، باشند.

ب) اگر موضوع در جهت تعدیل و رضایت دو کشور عضو قرار نگرفت، در ظرف شش ماه پس از دریافت اولین شکایت، هر یک از (دو) کشور، حق خواهند داشت که موضوع را به وسیله یادداشتی به کمیته و کشور (مزبور) ارجاع نمایند.

ج) کمیته به موضوع ارجاع شده، فقط در صورتی اقدام خواهد کرد که محقق شده باشد که تمام چاره جویی‌های داخلی مناسب در مورد موضوع و بنا بر اصول قوانین بین‌المللی شناخته شده به طور کلی انجام گرفته و به نتیجه نرسیده است. این قاعده در مواردی که شکایت به طور نامعقولی طولانی گردد، اجرا نخواهد شد.

د) کمیته بنا بر این ماده، در موقع رسیدگی به شکایتها، نشست‌های رسیدگی تشکیل خواهد داد.

ه) پیرو مقررات زیر بند ج، کمیته اقدامات مناسب و توجهات خود، به منظور حل دوستانه موضوع (مورد اختلاف) بر پایه احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی شناخته شده در این میثاق را در اختیار کشورهای عضو قرار خواهد گذاشت.

و) کمیته در هر موضوع ارجاع شده به خود می‌تواند با توجه به زیر بند (ب)، از کشورهای مربوطه اطلاعات مربوط را درخواست نماید.

ز) کشورهای مربوطه عضو این میثاق، بنا بر زیر بند (ب) حق خواهند داشت که در هنگام رسیدگی موضوع در کمیته، نماینده داشته باشند و نظریات و اظهارات شفاهی و یا کتبی خود را ارائه دهند.

ح) کمیته ظرف ۱۲ ماه بعد از تاریخ دریافت یادداشت بنا بر زیر بند (ب) خواهد پذیرفت که گزارش دهد که:

۱) اگر راه حلی بنا بر زیر بند (ه) بدست آید، کمیته به طور خلاصه گزارش خود را در مورد قضایا و راه حل بدست آمده، منحصر خواهد کرد.

۲) اگر راه حلی بنا بر زیر بند (ه) بدست نیامده باشد، کمیته به طور خلاصه گزارش خود را در مورد قضایا منحصر خواهد کرد. نظریات کتبی و شفاهی که به وسیله کشورهای مربوطه انجام گرفته است ضبط خواهد شد و به گزارش، ضمیمه می‌گردد. برای هر موضوعی گزارشی به کشورهای مربوط و عضو میثاق ابلاغ خواهد شد.

۲- مقررات این ماده زمانی قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد که ۱۰ کشور عضو این میثاق، بنا بر بند ۱ این ماده، (آنرا) اعلام کرده باشند. اعلامیه کشورهای عضو این میثاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده می‌شود و او رونوشت آنرا به دیگر کشورهای عضو خواهد فرستاد. یک اعلامیه در هر زمان ممکن است به وسیله یادداشتی (خطاب) به دبیر کل مسترد گردد. استرداد، شکایتی که قبلاً بنا بر این ماده ارسال شده است را خدشه دار نخواهد ساخت. هیچ شکایت دیگری پس از دریافت یادداشت استرداد اعلامیه به دبیر کل، پذیرفته نخواهد شد مگر آن که کشور مربوطه اعلامیه جدیدی صادر کند.

ماده چهل و دوم

-۱

الف) اگر موضوعی بنا به ماده ۴۱ به کمیته ارجاع شده باشد و (آن موضوع) با رضایت کشورهای عضو مربوطه حل نگردیده است، کمیته می‌تواند با رضایت قبلی کشورهای عضو مربوطه، یک کمیسیون ویژه توافق تعیین نماید (که از این پس کمیسیون نامیده خواهد شد). کمیسیون توجهات کافی (کمکهای مفید) را به منظور یک راه حل مسالمت آمیز در مورد (موضوع مورد اختلاف) بر اساس احترام به میثاق حاضر، به عمل خواهد آورد.

ب) کمیسیون شامل پنج عضو است که مورد پذیرش کشورهای عضو مربوطه می‌باشند. اگر کشورهای عضو مربوطه برای ترکیب تمام یا قسمتی از (اعضاء) کمیسیون در مدت ۳ ماه به توافق نرسیدند، آن عده از اعضاء کمیسیون که در مورد آنها توافق حاصل نشده است با رای مخفی و با اکثریت ۲ سوم اعضاء کمیته از بین اعضاء انتخاب خواهند شد.

۲- اعضاء کمیسیون بنا به صلاحیتهای شخصی خود، انجام وظیفه می‌نمایند (سمت نمایندگی از طرف کشور خود در کمیسیون را ندارند). آنها نباید تابعیت کشورهای عضو مربوطه و یا یک کشوری که عضو این پیمان نیست و یا کشوری که بنا به ماده ۴۱ اعلامیه را صادر نکرده است، باشند.

۳- کمیسیون رئیس خود را انتخاب خواهد کرد و آیین نامه داخلی خود را به تصویب خواهد رساند.

۴- نشستهای کمیسیون بهطور معمول می‌باید در مرکز سازمان ملل متحد و یا در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو تشکیل گردد. اما آنها می‌توانند با مشورت دبیر کل سازمان ملل متحد و کشورهای عضو مربوطه نشستها را در مکانهای مناسب دیگری تشکیل دهند.

۵- بنا بر ماده ۳۶ دبیرخانه پیش بینی شده، خدمات (دفتری) کمیسیونهایی که تحت این ماده تعیین شده اند را انجام خواهد داد.

۶- اطلاعاتی که به وسیله کمیته دریافت و بررسی می‌گردد می‌باید در اختیار و در دسترس کمیسیون قرار گیرد. کمیسیون می‌تواند از کشورهای عضو مربوط تهیه دیگر اطلاعات وابسته (تکمیلی) را بخواهد.

۷- وقتی که کمیسیون رسیدگی کامل به موضوع نمود، در هر صورت، حداکثر در مدت ۱۲ ماه بعد از رسیدگی کردن موضوع یک گزارش برای به اطلاع رساندن کشورهای عضو مربوط از طرف رئیس کمیته ارائه خواهد شد.

الف) اگر کمیسیون به اتمام رسیدگی به موضوع در مدت ۱۲ ماه قادر نیست، در گزارش خود اکتفا به بیان مختصر موقعیت رسیدگی موضوع خواهد کرد.

ب) اگر یک راه حل مسالمت آمیز به منظور ملزم نمودن و براساس احترام به حقوق بشر که (قوانین آن) در این میثاق شناخته شده است، حاصل شود، کمیسیون گزارش خود را به ذکر کوتاه قضایا و راه حلی که به آن دست یافته است، منحصر میکند.

ج) اگر یک راه حل مسالمت آمیز مطابق زیربند ب حاصل نگردد کمیسیون تمام راه حل هایی که مربوط به موضوع مابین دولتهای عضو است و نظرات (پیشنهادی) خود را در مورد امکان حل مسالمت آمیز موضوع، ارائه می‌دهد.

این گزارش همچنین شامل صورت مجلس ملاحظات کتبی و ملاحظات شفاهی که به وسیله دولت‌های عضو انجام گرفته است، می باشد.

د) اگر گزارش کمیسیون بنا بر زیربند (ج) ارائه گردد، دولت‌های عضو در مدت ۳ ماه پس از دریافت گزارش، (می بایست) به رئیس کمیته اعلام دارند که آیا مندرجات گزارش کمیسیون را خواهند پذیرفت یا خیر.

۸- بنا به ماده ۴۱، مقررات این ماده به مسئولیت‌های کمیته خللی وارد نمی‌کند.

۹- دولت‌های عضو، کلیه هزینه های اعضاء کمیسیون را طبق برآوردی که دبیر کل سازمان ملل متحد به عمل می آورد، به طور مساوی به عهده خواهند گرفت.

۱۰- دبیر کل سازمان ملل متحد این اختیار را دارد که در صورت لزوم هزینه های اعضاء را قبل از آن که دولت عضوی پرداخت کند، بنا بر بند ۹ این ماده، به عهده گیرد.

ماده چهل و سوم

اعضای کمیته و (اعضای) کمیسیون‌های ویژه حل اختلاف که طبق ماده ۴۲ تعیین شده اند، محق می باشند که از تسهیلات، امتیازات و مصونیت‌های کارشناسان مامور سازمان ملل متحد همان‌گونه که در قسمت‌های (مربوط) به مقاله نامه امتیازات و مصونیت ها وضع شده است، استفاده کنند.

ماده چهل و چهارم

مقررات اجرایی این میثاق، به آیین نامه های دادرسی مقرر شده در زمینه حقوق بشر و اسناد تشکیل دهنده میثاق‌های سازمان ملل و موسسات تخصصی خللی وارد نمی سازد و (نیز این مقررات) مانع از آن نخواهد شد که دولت‌های عضو این میثاق، برای حل اختلافات (خود) طبق موافقت نامه های بین المللی عمومی یا اختصاصی (که بین آنها وجود دارد) به دیگر آیین نامه های دادرسی متوسل شوند.

ماده چهل و پنجم

کمیته گزارش سالانه از فعالیت های خود را به وسیله شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد داد.

بخش پنجم

ماده چهل و ششم

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه ای تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه های موسسات تخصصی که معین کننده مسئولیت های گوناگون ویژه سازمان ملل هستند و (نیز) موسسات تخصصی مربوط به موضوع های این میثاق، لطمه وارد آورد.

ماده چهل و هفتم

هیچیک از مقررات این میثاق نباید به گونه ای تفسیر گردد که به حق ذاتی تمام مردم جهت بهره مندی و استفاده کامل و آزادانه از منابع و ثروت های طبیعی خودشان، لطمه ای وارد آورد.

بخش ششم

ماده چهل و هشتم

۱- این میثاق برای امضای هر دولت عضو سازمان ملل و یا عضو هر یک از موسسات تخصصی آن و یا هر دولت عضو (متعهد به) اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و هر دولتی که (از طرف) مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت شود تا عضو این میثاق گردد، گشوده می باشد.

۲- این میثاق تابع به تصویب (قانون اساسی هر کشور) است. اسناد تصویب نزد دبیر کل سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۳- این میثاق بنا بر بند اول این ماده برای پیوستن (وارد شدن) هر دولتی، گشوده شده است.

۴- پیوستن به وسیله سپردن سند الحاق نزد دبیر کل سازمان ملل متحد انجام خواهد گرفت.

۵- دبیر کل سازمان ملل متحد تمام دولت هایی که این میثاق را امضاء کرده اند و یا به آن پیوسته اند را از سپرده شدن هر سند تصویبی یا الحاقی آگاه خواهد کرد.

ماده چهل و نهم

۱- این میثاق سه ماه پس از تاریخ سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی نزد دبیر کل سازمان ملل متحد قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد.

۲- برای هر دولتی که این میثاق را پس از سپردن سی و پنجمین سند تصویبی یا الحاقی، تصویب کند یا به آن بپیوندد، این میثاق ۳ ماه بعد از تاریخ سپردن سند تصویبی یا الحاقی برای آن کشور لازم الاجرا خواهد شد.

ماده پنجاهم

مقررات این میثاق تمام واحدهای دولت های فدرال (کشورهای هم عهد) را بدون محدودیت و یا استثنایی، شامل خواهد بود.

ماده پنجاه و یکم

۱- هر دولت عضو این میثاق می‌تواند اصلاحیه ای (برای این میثاق) پیشنهاد کند و متن آنرا نزد دبیر کل سازمان ملل متحد بسپارد. دبیر کل سازمان ملل متحد هر طرح اصلاحی پیشنهاد شده ای را به دولت‌های عضو ارسال می‌دارد و از آنها درخواست می‌کند که به او اعلام دارند، آیا مایلند کنفرانسی از دولت‌های عضو به منظور بررسی و تصمیم‌گیری (اخذ رای) در باره طرح‌های پیشنهادی، تشکیل گردد. در صورتیکه حداقل یک سوم دولت‌های عضو موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند، دبیر کل، کنفرانسی را زیر نظر سازمان ملل متحد تشکیل خواهد داد. هر اصلاحی که مورد پذیرش اکثریت دولت‌های حاضر و رای دهنده در کنفرانس قرار گیرد، (آن اصلاح) برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه خواهد شد.

۲- اصلاحات زمانی قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دوسوم دولت‌های عضو، آنرا بنا به روند قانونگذاری خود (قانون اساسی) پذیرفته باشند.

۳- وقتی که اصلاحات، قدرت اجرایی پیدا می‌کنند، برای آن دسته از دولت‌هایی که آنرا پذیرفته اند (اجرای) آن الزامی خواهد شد و سایر دولت‌های عضو به مقررات این میثاق و هر گونه اصلاحیه ای که قبلاً آنرا پذیرفته اند، موظف می‌باشند.

ماده پنجاه و دوم

صرف نظر از اطلاعیه‌های صادر شده در بند ۵ ماده ۴۸، دبیر کل سازمان ملل متحد مراتب ویژه زیر را به تمام دولت‌های مذکور در بند ۱ همان ماده، اطلاع خواهد داد:

الف) امضاءها، مصوبه‌ها و پیوست‌ها بنا به ماده ۴۸

ب) تاریخ قدرت اجرایی این میثاق بنا بر ماده ۴۹ و تاریخ قدرت اجرایی اصلاحات بنا به ماده ۵۱

ماده پنجاه و سوم

۱- متن‌های چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی این میثاق دارای اعتباری برابر است و در بایگانی سازمان ملل متحد سپرده خواهد شد.

۲- دبیر کل سازمان ملل متحد رونوشت تایید شده این میثاق را برای کلیه دولت‌های مذکور در ماده ۴۸ ارسال خواهد کرد.

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶م. مجمع عمومی سازمان ملل متحد

کشورهای طرف این میثاق با توجه به اینکه بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر مبنای آزادی - عدالت و صلح در جهان است.

با اذعان به اینکه حقوق مذکور فوق ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است.

با اذعان به اینکه بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد رهایی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود و همچنین از حقوق مدنی و سیاسی او ایجاد شود.

با توجه به اینکه کشورها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر حقوق و آزادیهای بشر ملزم هستند.

با در نظر گرفتن این حقیقت که هر فرد نسبت به افراد دیگر نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده‌دار وظایفی است و مکلف است باینکه در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید.

با مواد زیر موافقت دارند:

بخش یک

ماده ۱

۱. کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به موجب حق مزبور ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند.

۲. کلیه ملل می‌توانند برای نیل به هدفهای خود در منابع و ثروتهای طبیعی خود بدون اخلاص به الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه هر گونه تصرفی بنمایند. در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد.

۳. کشورهای طرف این میثاق از جمله کشورهای مسئول اداره سرزمینهای غیرخودمختار و تحت قیمومت مکلفند تحقق حق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند.

بخش دوم

ماده ۲

۱. هر کشور طرف این میثاق متعهد می گردد به سعی و اهتمام خود و از طریق همکاری و تعاون بین‌المللی به ویژه در طرحهای اقتصادی و فنی - با استفاده از حداکثر منابع موجود خود به منظور تأمین تدریجی اعمال کامل حقوق شناخته شده در این میثاق با کلیه وسایل مقتضی بخصوص با اقدامات قانون‌گذاری اقدام نمایند.

۲. کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب - عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر - اصل و منشاء ملی یا اجتماعی - ثروت - نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند.

۳. کشورهای در حال رشد با توجه لازم به حقوق بشر و وضع اقتصاد ملی خود می توانند تعیین کنند که تا چه اندازه حقوق اقتصادی شناخته شده در این میثاق را درباره اتباع بیگانه تضمین خواهند کرد.

ماده ۳

کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از کلیه حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تأمین نمایند.

ماده ۴

کشورهای طرف این میثاق معترفند که در تمتع از حقوقی که مطابق این میثاق در هر کشوری مقرر می-شود آن کشور نمی تواند حقوق مزبور را تابع محدودیتهایی جز به موجب قانون بنماید و آن هم فقط تا حدودی که با ماهیت این حقوق سازگار بوده و منظور آن منحصرأ توسعه رفاه عامه در يك جامعه دموکراتیک باشد.

ماده ۵

۱. هیچ‌یک از مقررات این میثاق را نمی توان به نحوی تفسیر نمود که متضمن ایجاد حقی برای کشوری یا گروهی یا فردی گردد که به استناد آن به منظو تضييع هر يك از حقوق و آزادیهای شناخته شده در این میثاق و یا محدود نمودن آن بیش از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده است مبادرت به فعالیتی بکند و یا اقدامی به عمل آورد.

۲. هیچگونه محدودیت یا انحراف از هر يك از حقوق اساسی بشر که به موجب قوانین مقابله‌نامه‌ها - آئین نامه‌ها یا عرف و عادات در هر کشور طرف این میثاق به رسمیت شناخته شده یا نافذ و جاری است به عذر اینکه این میثاق چنین حقوقی را به رسمیت نشناخته یا اینکه به میزان کمتری به رسمیت شناخته قابل قبول نخواهد بود.

بخش سوم

ماده ۶

۱. کشورهای طرف این میثاق حق کارکردن را که شامل حق هر کس است به اینکه فرصت یابد به وسیله و کاری که آزادانه انتخاب یا قبول می نماید معاش خود را تأمین کند - به رسمیت می شناسند و اقدامات مقتضی برای حفظ این حق معمول خواهند داشت.

۲. اقداماتی که کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین اعمال کامل این حق به عمل خواهند آورد باید شامل راهنمایی و تربیت فنی و حرفه‌ای و طرح برنامه‌ها و خط مشیها و تدابیر فنی باشد که از لوازم تأمین توسعه مداوم اقتصادی - اجتماعی و اشتغال تام و مولد است تحت شرایطی که آزادیهای اساسی سیاسی و اقتصادی را برای افراد حفظ نماید.

ماده ۷

کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع عادلانه و مساعد کار که بویژه متضمن مراتب زیر باشد به رسمیت می شناسند:

الف - اجرتی که لااقل امور ذیل را برای کلیه کارگران تأمین نماید:

۱. مزد منصفانه و اجرت مساوی برای کار با ارزش مساوی بدون هیچ نوع تمایز به ویژه اینکه زنان تضمین داشته باشند که شرایط کار آنان پائین‌تر از شرایط مورد استفاده مردان نباشد و برای کار مساوی مزد مساوی با مردان دریافت دارند.

۲. مزایای کافی برای آنان و خانواده‌شان طبق مقررات این میثاق.

ب - ایمنی و بهداشت کار.

ج - تساوی فرصت برای هر کس که بتواند در خدمت خود به مدارج مناسب عالیتیری ارتقاء یابد بدون در نظر گرفتن هیچگونه ملاحظات دیگری جز طول مدت خدمت و لیاقت.

د - استراحت - فراغت و محدودیت معقول ساعات کار و مرخصی ادورای با استفاده از حقوق و همچنین مزد ایام تعطیل رسمی.

ماده ۸

۱. کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که مراتب زیر را تضمین کنند:

الف - حق هر کس به اینکه به منظور پیشبرد و حفظ منافع اقتصادی و اجتماعی خود با رعایت مقررات سازمان ذیربط مبادرت به تشکیل اتحادیه نماید و به اتحادیه مورد انتخاب خود ملحق شود. اعمال این حق را نمی توان تابع هیچ محدودیتی نمود مگر آنچه که به موجب قانون تجویز شده و در يك جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا حفظ حقوق و آزادیهای افراد دیگر ضرورت داشته باشد.

ب - حق اتحادیه‌ها (سندیکاها) به تشکیل فدراسیون‌ها یا کنفدراسیون‌های ملی و حق کنفدراسیون‌ها به تشکیل سازمان‌های سندیکایی بین‌المللی یا الحاق به آنها.

ج - حق اتحادیه‌ها (سندیکاها) که آزادانه به فعالیت خود مبادرت نمایند بدون هیچ محدودیتی جز آنچه به موجب قانون تجویز شده و در يك جامعه دموکراتیک برای مصالح امنیت ملی یا نظم عمومی یا برای حفظ حقوق و آزادیهای دیگران ضرورت داشته باشد.

د - حق اعتصاب مشروط بر اینکه با رعایت مقررات کشور مربوط اعمال شود.

۲. این ماده مانع از آن نخواهد بود که افراد نیروهای مسلح یا پلیس یا مقامات اداری دولت در اعمال این حقوق تابع محدودیتهای قانونی بشوند.

۳. هیچ يك از مقررات این ماده کشورهای طرف مقابله نامه ۱۹۴۸ سازمان بین‌المللی کار مربوط به آزادی سندیکایی و حمایت از حق سندیکایی را مجاز نمی‌دارد که با اتخاذ تدابیر قانونگذاری یا نحوه اجرای قوانین به تضمینات مقرر در مقابله نامه مزبور لطمه‌ای وارد آورند.

ماده ۹

کشورهای طرف این میثاق حق هر شخص را به تأمین اجتماعی از جمله بیمه‌ای اجتماعی به رسمیت می‌شناسند.

ماده ۱۰

کشورهای طرف این میثاق اذعان (قبول) دارند که:

۱. خانواده که عنصر طبیعی (۱۴) و اساسی جامعه است باید از حمایت و مساعدت به حد اعلائی ممکن برخوردار گردد بویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را بعهده دارد.

از دواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آن را دارند واقع شود.

۲. مادران در مدت معقولی پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت خاص برخوردار گردند. در آن مدت مادران کارگر باید از مرخصی با استفاده از حقوق و یا مرخصی با مزایای تأمین اجتماعی کافی برخوردار گردند.

۳. تدابیر خاص در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال غیرممیز و ممیز (۱۵) بدون هیچگونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر باید اتخاذ بشود. اطفال غیرممیز و ممیز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند.

واداشتن اطفال به کارهایی که برای جهات اخلاقی یا سلامت آنها زیان‌آور است یا زندگی آنها را به مخاطره می‌اندازد یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد باید به موجب قانون قابل مجازات باشد.

ماده ۱۱

۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به داشتن سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک - پوشاک و مسکن کافی همچنین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسند.

کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین تحقق این حق تدابیر مقتضی اتخاذ خواهند کرد و از این لحاظ اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی براساس رضایت آزاد را اذعان (قبول) دارند.

۲. کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق اساسی هر کس به اینکه از گرسنگی فارغ باشد منفرداً و از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخصی به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد:

الف - بهبود روشهای تولید و حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام زراعی به‌نحوی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین نمایند.

ب - تأمین توزیع منصفانه ذخایر (منابع) خواربار جهان بر حسب حوائج با توجه به مسائل (مبتلا به) کشورهای صادر کننده و وارد کننده خواربار (غذا).

ماده ۱۲

۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن‌الوصول به رسمیت می‌شناسند.

۲. تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود:

الف - تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان - مرگ و میر کودکان و رشد سالم آنان.

ب - بهبود بهداشت محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات.

ج - پیشگیری و معالجه بیماریهای همه گیر - بومی حرفه‌ای و سایر بیماریها همچنین پیکار علیه این بیماریها.

د - ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمکهای پزشکی برای عموم در صورت ابتلاء به بیماری.

ماده ۱۳

۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند.

کشورهای مزبور موافقت دارند که هدف آموزش و پرورش باید نمو کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادیهای اساسی باشد. علاوه بر این کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که آموزش و پرورش باید کلیه افراد را برای ایفای نقش سودمند در يك جامعه آزاد آماده

سازد و موجبات تفاهم و تساهل و دوستی بین کلیه ملل و کلیه گروه‌های نژادی - قومی یا مذهبی را فراهم آورد و توسعه فعالیت‌های سازمان ملل متحد را به منظور حفظ صلح تشویق نماید.

۲. کشورها طرف این میثاق اذعان دارند که به منظور استیفای این حق:

الف - آموزش و پرورش ابتدایی باید اجباری باشد و رایگان در دسترس عموم قرار گیرد.

ب - آموزش و پرورش متوسطه به اشکال مختلف آن از جمله آموزش و پرورش فنی و حرفه‌ای متوسطه باید تعمیم یابد و به کلیه وسایل مقتضی به‌ویژه به وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی در دسترس عموم قرار گیرد.

ج - آموزش و پرورش عالی باید به کلیه وسایل مقتضی بویژه به وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی به تساوی کامل براساس استعداد هر کس در دسترس عموم قرار گیرد.

د - آموزش و پرورش پایه (اساسی) باید حتی الامکان برای کسانی که فاقد آموزش و پرورش ابتدایی بوده یا آنرا تکمیل نکرده باشند تشویق و تشدید بشود.

ه - توسعه شبکه مدارس در کلیه مدارج باید فعالانه دنبال شود و نیز باید یک ترتیب کافی اعطاء بورسها (هزینه تحصیلی) برقرار گردد و شرایط مادی معلمان باید پیوسته بهبود یابد.

۳. کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که آزادی والدین یا سرپرست قانونی کودکان را بر حسب مورد در انتخاب مدرسه برای کودکانش سوای مدارس دولتی محترم بشمارند مشروط بر اینکه مدارس مزبور با حداقل موازین (قواعد) آموزش و پرورش که ممکن است دولت تجویز یا تصویب کرده باشد مطابقت کند و آموزش و پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان مطابق معتقدات شخصی والدین یا سرپرستان آنان تأمین گردد.

۴. هیچیک از اجزای این ماده نباید به‌نحوی تفسیر گردد که با آزادی افراد و اشخاص حقوقی به ایجاد و اداره مؤسسات آموزشی اخلاقی نماید مشروط بر اینکه اصول مقرر در بند اول این ماده رعایت شود و تعلیماتی که در چنین مؤسساتی آموزش داده می‌شود با موازین حداقل که ممکن است دولت تجویز کرده باشد مطابقت کند.

ماده ۱۴

هر کشور طرف این میثاق که در زمان امضای آن هنوز نتوانسته است در قلمرو اصلی خود یا دیگر سرزمینهای تحت حاکمیت خود آموزش و پرورش ابتدایی اجباری مجانی تأمین نماید متعهد می‌شود ظرف مدت دو سال یک طرح تفصیلی تدابیر لازم برای تحقق بخشیدن تدریجی اجرای کامل اصل آموزش و پرورش اجباری مجانی برای عموم در ظرف مدت چند سالی که در خود طرح تصریح بشود تنظیم و تصویب کند.

ماده ۱۵

۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را در امور ذیل به رسمیت می شناسند:

الف - شرکت در زندگی فرهنگی

ب - بهره‌مند شدن از پیشرفتهای علمی و مجاری آن

ج - بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هر گونه اثر علمی - ادبی یا هنری که مصنف (یا مخترع) آن است.

۲. تدابیری که برای تأمین اعمال کامل این حق توسط کشورهای طرف این میثاق اتخاذ خواهد شد باید شامل تدابیر لازم برای تأمین حفظ و توسعه و ترویج علم و فرهنگ باشد.

۳. کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که آزادی لازم برای تحقیقات علمی و فعالیتهای خلاقه را محترم بشمارند.

۴. کشورهای طرف این میثاق به فوائد حاصل از تشویق و توسعه همکاری و تماسهای بین‌المللی در زمینه علم و فرهنگ اعتراف می نمایند.

بخش چهارم

ماده ۱۶

۱. کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند بر طبق مقررات این بخش از میثاق درباره تدابیری که به منظور تأمین رعایت حقوق شناخته شده در این میثاق اتخاذ کرده باشند و پیشرفتهایی که در این زمینه حاصل شده است گزارش‌هایی تقدیم بدارند.

۲.

الف - کلیه گزارش‌ها به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد تقدیم می‌شود.

مشارالیه رونوشت گزارش‌ها را برای بررسی طبق مقررات این میثاق به شورای اقتصادی و اجتماعی ارسال می‌دارد.

ب - دبیرکل سازمان ملل متحد همچنین رونوشت تمام یا قسمت‌های مربوط گزارش‌های واصل از کشورهای طرف این میثاق و نیز عضو مؤسسات تخصصی را تا جایی که این گزارش‌ها با قسمت‌های مربوط آنها راجع به مسائلی باشد که بر طبق اساسنامه مؤسسات تخصصی مذکور در صلاحیت آنها قرار می‌گیرد برای آن مؤسسات ارسال می‌دارد.

ماده ۱۷

۱. کشورهای طرف این میثاق گزارش‌های خود را مرحله به مرحله بر طبق برنامه‌ای که شورای اقتصادی و اجتماعی ظرف یکسال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این میثاق پس از مشاوره با کشورهای طرف میثاق و مؤسسات تخصصی مربوط تنظیم خواهد کرد تقدیم خواهند داشت.

۲. گزارش‌ها ممکن است حاکی از عوامل و مشکلاتی باشد که مانع دولتها در اجرای کامل تعهدات مقرر در این میثاق شده است. (۱۶)

۳. در مواردی که اطلاعات مربوط توسط هر کشور طرف این میثاق قبلاً به سازمان ملل متحد یا هر یک از مؤسسات تخصصی فرستاده شده باشد تهیه مجدد اطلاعات مزبور ضرورت نخواهد داشت بلکه اشاره صریح به اطلاعات ارسال شده قبلی کفایت خواهد کرد.

ماده ۱۸

شورای اقتصادی و اجتماعی به موجب مسئولیت‌هایی که طبق منشور ملل متحد در زمینه حقوق بشر و آزادیهای اساسی به آن محول شده است می‌تواند به منظور تقدیم گزارش‌هایی از طرف مؤسسات تخصصی به شورا در حدود فعالیت‌های مربوط به خودشان درباره پیشرفت‌های حاصل در تأمین رعایت مقررات این میثاق با مؤسسات مزبور قراردادهایی بگذارند. این گزارش‌ها ممکن است متضمن اطلاعاتی (۱۷) باشد در خصوص تصمیمات و توصیه‌هایی که ارکان ذیصلاحیت مؤسسات مزبور راجع به عملیات اجرایی تصویب کرده‌اند.

ماده ۱۹

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند گزارش‌های مربوط به حقوق بشر را که کشورها بر طبق مواد ۱۶ و ۱۷ مؤسسات تخصصی بر طبق ماده ۱۸ تقدیم می‌دارند برای مطالعه و توصیه کلی یا در صورت اقتضاء برای اطلاع به کمیسیون حقوق بشر احاله نماید.

ماده ۲۰

کشورهای طرف این میثاق و مؤسسات تخصصی مربوط می‌توانند درباره هر توصیه کلی که به موجب ماده ۱۹ شده باشد یا درباره هر گونه ذکری که از یک توصیه کلی در یک گزارش کمیسیون حقوق بشر یا در هر سند مذکور در آن گزارش شده باشد ملاحظات خود را به شورای اقتصادی و اجتماعی تقدیم بدارند.

ماده ۲۱

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند گاه‌گاه گزارش‌هایی متضمن توصیه‌های کلی و خلاصه اطلاعاتی واصل از کشورهای طرف این میثاق و عضو مؤسسات تخصصی درباره تدابیر متخذه و پیشرفت‌های حاصله در رعایت کلی حقوق شناخته شده در این میثاق به مجمع عمومی تقدیم بدارد.

ماده ۲۲

شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند توجه سایر ارکان سازمان ملل متحد و ارکان فرعی و مؤسسات تخصصی مربوط را که عهده دار کمک فنی هستند به مسائلی معطوف بدارد که در گزارشهای مذکور در این بخش این میثاق عنوان شده و ممکن است به این مؤسسات کمک کند که هر يك در حدود صلاحیتشان راجع به مقتضی بودن اتخاذ تدابیر بین المللی مفید به اجرای مؤثر و تدریجی این میثاق اظهار نظر بکند.

ماده ۲۳

کشورهای طرف این میثاق موافقت دارند که تدابیر بین المللی به منظور تأمین تحقق حقوق شناخته شده در این میثاق بالاخص شامل انعقاد مقاوله نامه ها - تصویب نامه ها - دادن کمک فنی و تشکیل کنفرانس های منطقه ای و کنفرانس های فنی با شرکت دولت های مربوط به منظور مشاوره و بررسی می باشد.

ماده ۲۴

هیچ يك از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر گردد که به مقررات منشور ملل متحد و اساسنامه های مؤسسات تخصصی دائر به تعریف مسئولیت های مربوط به هر يك از ارکان مختلف سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی نسبت به مسائل موضوع این میثاق لطمه ای وارد آورد.

ماده ۲۵

هیچ يك از مقررات این میثاق نباید بنحوی تفسیر گردد که به حق ذاتی کلیه ملل و تمتع و استفاده کامل و آزادانه آنان از منابع و ثروتهای طبیعی خودشان لطمه ای وارد آورد.

ماده ۲۶

۱. این میثاق برای امضاء هر کشور عضو سازمان ملل متحد یا عضو هر يك از مؤسسات تخصصی ملل متحد یا هر کشور طرف متعاهد اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری یا هر کشور دیگری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد دعوت کند که از طرف این میثاق بشود مفتوح است.

۲. این میثاق موکول به تصویب است. اسناد تصویب (۱۸) باید نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع شود.

۳. این میثاق برای الحاق هر يك از کشورهای مذکور در بند اول این ماده مفتوح خواهد بود.

۴. الحاق به وسیله تودیع سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد صورت می گیرد.

۵. دبیرکل سازمان ملل متحد کلیه کشورهایایی را که این میثاق را امضاء کرده اند یا به آن ملحق شده اند از تودیع هر سند تصویب یا الحاق مطلع خواهد کرد.

ماده ۲۷

۱. این میثاق سه ماه پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد لازم الاجرا می شود.

۲. درباره هر کشوری که پس از تودیع سی و پنجمین سند تصویب یا الحاق این میثاق را تصویب کند یا به آن ملحق بشود این میثاق سه ماه پس از تاریخ تودیع سند تصویب یا الحاق آن کشور لازم‌الاجرا خواهد شد.

ماده ۲۸

مقررات این میثاق بدون هیچگونه محدودیت یا استثناء درباره کلیه واحدهای تشکیل دهنده کشورهای متحد (فدرال) شمول خواهد داشت.

ماده ۲۹

۱. هر کشور طرف این میثاق می تواند اصلاح (این میثاق را) پیشنهاد و متن آنرا نزد دبیرکل سازمان ملل متحد تودیع کند. در این صورت دبیرکل هر طرح اصلاح پیشنهادی را برای کشورهای طرف این میثاق ارسال می دارد و از آنها درخواست می نماید به او اعلام دارند که آیا مایلند کنفرانسی از کشورهای طرف میثاق به منظور بررسی و اخذ رأی درباره طرحهای پیشنهادی تشکیل گردد. در صورتی که حداقل یک ثلث کشورهای طرف میثاق موافق تشکیل چنین کنفرانسی باشند دبیرکل کنفرانس را تحت زیر لوای سازمان ملل متحد دعوت خواهد کرد. هر اصلاحی که مورد قبول اکثریت کشورهای حاضر و رأی دهنده در کنفرانس واقع شود برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل متحد تقدیم خواهد شد.

۲. اصلاحات موقعی لازم‌الاجرا می شود که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برسد و اکثریت دو ثلث کشورهای طرف این میثاق بر طبق قواعد قانون اساسی خودشان آنرا قبول کرده باشند.

۳. موقعی که اصلاحات لازم‌الاجرا می شود برای آندسته از کشورهای طرف میثاق که آنرا قبول کرده‌اند الزام آور خواهد بود سایر کشورهای طرف میثاق کماکان به مقررات این میثاق و هر گونه اصلاح آن که قبلاً قبول کرده‌اند ملزم خواهند بود.

ماده ۳۰

قطع نظر از اطلاعیه‌های مقرر در بند ۵ ماده ۲۶ دبیرکل سازمان ملل متحد مراتب زیر را به کلیه کشورهای مذکور در بند اول آن ماده اطلاع خواهد داد.

الف - امضاهای این میثاق و اسناد تصویب و الحاق تودیع شده طبق ماده ۲۶.

ب - تاریخ لازم‌الاجراء شدن این میثاق طبق ماده ۲۷ و تاریخ لازم‌الاجراء شدن اصلاحات طبق ماده ۲۹.

ماده ۳۱

۱. این میثاق که متنهای چینی - انگلیسی - فرانسه - روسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی سازمان ملل متحد تودیع خواهد شد.

۲. دبیرکل سازمان ملل متحد رونوشت مصدق این میثاق را برای کلیه کشورهای مذکور در ماده ۲۶ ارسال خواهد داشت.

دولت ایران در آذر ماه ۱۳۵۱ این میثاق را ابتدا در مجلس شورای ملی بتصویب رساند و سپس آنرا در اردیبهشت ۱۳۵۴ بدون هیچ حق شرط و تحفظی از تصویب مجلس سنا گذراند. (رجوع شود به مجموعه قوانین سال ۱۳۵۴ چاپ روزنامه رسمی، ص ۷۵، ۴۴۵)

اعلامیه جهانی حقوق زبانی

مصوب ژوئن ۱۹۹۶ در بارسلون

ترجمه علی دده بیگلو

مقدمه

با در نظر گرفتن "اعلامیه جهانی حقوق بشر" مورخ ۱۹۴۸ که در مقدمه‌اش اعتقاد خود را به "برابری حقوق پایه ای بشر کرامت و ارزش افراد انسانی و حقوق برابر مرد و زن" بیان می نماید؛ و نیز در ماده دوم خود که اعلام می کند "همه افراد بدون در نظر گرفتن نژاد رنگ جنسیت زبان دین باورهای سیاسی و یا دیگر باورها منشاء ملی و یا اجتماعی مالکیت محل تولد و یا خصوصیات دیگر" دارای همه حقوق و آزادیها می باشند؛

با در نظر گرفتن "کنوانسیون بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی" ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (ماده ۲۷) و "کنوانسیون بین‌المللی حقوق فرهنگی اجتماعی و اقتصادی" به همان تاریخ که در مقدمه های خود بیان می نمایند آحاد نوع بشر نمیتوانند آزاد شمرده شوند مگر آن که شرایطی فراهم گردد که آنها را قادر به اعمال و بهره برداری از هر دوی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی خود نماید؛

با در نظر گرفتن "قطعنامه ۱۳۵-۴۷" ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد که "بیانیه در حقوق افراد متعلق به اقلیتهای ملی اثنینیکی دینی و زبانی" را تصویب نمود؛

با در نظر گرفتن اعلامیه ها و توافقنامه های (کنوانسیونهای) مجمع اروپا مانند "کنوانسیون اروپایی برای حفظ حقوق بشر و آزادیهای اساسی" به تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰ (ماده ۱۴)؛

"کنوانسیون شورای وزیران مجمع اروپا" به تاریخ ۲۹ ژوئن ۱۹۹۲ که "مقاوله نامه (چارتر) اروپایی برای زبانهای منطقه ای و یا اقلیتی" را تصویب نمود؛ "اعلامیه در باره اقلیتهای ملی" تهیه شده توسط نشست سران مجمع اروپا در تاریخ ۹ اکتبر ۱۹۹۳؛ و "کنوانسیون چهارچوب برای محافظت از اقلیتهای ملی" نوامبر ۱۹۹۴؛

با در نظر گرفتن "بیانیه انجمن بین‌المللی قلم در سانتیاگو د کومپوستلا" و "بیانیه ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ کمیته حقوق زبانی و ترجمه ای انجمن جهانی قلم در رابطه با پیشنهادی برای برگزاری کنفرانسی جهانی در موضوع حقوق زبانی"؛

با در نظر گرفتن این امر که در شهر رسیف برزیل "اعلامیه ۹ اکتبر ۱۹۸۷ دوازدهمین سمینار انجمن بین‌المللی برای توسعه تفاهم و ارتباط بین فرهنگها" به سازمان ملل متحد توصیه نمود که گامهای لازم را برای تصویب و اجرای اعلامیه جهانی حقوق زبانی بردارد؛

با در نظر گرفتن "کنوانسیون ۱۶۹ سازمان جهانی کار" مورخه ۲۶ ژوئن ۱۹۸۹ در باره مردمان بومی و طایفه ای در کشورهای مستقل؛

با توجه به "اعلامیه جهانی حقوق جمعی خلقها" بارسلونا مه ۱۹۹۰ که اعلام نمود همه خلقها در درون چهارچوبهای سیاسی متفاوت از حق افاده و توسعه فرهنگ زبان و قواعد سازمانیابی خویش و در نهایت از حق پذیرش و دارا بودن نهادهای حکومتی ارتباطاتی تحصیلی و سیاسی خود برخوردار می باشند؛

با در نظر گرفتن "بیانیه نهایی پذیرفته شده در همایش عمومی فدراسیون جهانی معلمان زبان مدرن" در شهر پیچ (مجارستان) به تاریخ ۱۶ اگوست ۱۹۹۱ که به شناخته شدن رسمی حقوق زبانی به عنوان حقوق پایه ای انسانی توصیه نموده بود؛

با در نظر گرفتن "گزارش کمیسیون شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد ۲۰ آوریل ۱۹۹۴" در ارتباط با طرح "اعلامیه در حقوق خلقهای بومی" که به حقوق فردی در پرتو حقوق جمعی نظر می کند؛

با در نظر گرفتن طرح "بیانیه کمیسیون حقوق بشر بین آمریکایی در باره مردمان بومی" مصوب نشست ۱۲۷۸ به تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۵؛

با در نظر گرفتن این که اکثریت زبانهای در خطر نابودی متعلق به گروههای مردمانی می باشند که از حق حاکمیت ملی خود برخوردار نیستند و این که عوامل اصلی که از توسعه این زبانها ممانعت کرده و به روند جایگزینی زبانی دیگر به جای آنها شتاب می بخشند عبارتند از نبود حکومتهای خودگردان آنها و سیاست دولتها که ساختارهای سیاسی و اداری و زبان خود بر آنها را تحمیل می نمایند؛

با در نظر گرفتن این که حمله نظامی مستعمره نمودن اشغال و دیگر نمونه های به انقیاد در آوردن اجتماعی اقتصادی و سیاسی اغلب اوقات شامل تحمیل مستقیم زبانی خارجی بوده و یا حداقل تصورات موجود در باره ارزش و منزلت زبانها را خدشه دار نموده و موجب ایجاد آنچنان رفتارهای زبانی سلسله ای می گردند که وفاداری زبانی متکلمین به آنها را از بین می برند؛

و با در نظر گرفتن این که زبانهای برخی از خلقهایی که حاکمیت ملی خود را به تازگی بدست آورده اند متعاقبا و در نتیجه سیاستی که زبان قبلی قدرتهای استعماری و یا امپریالیستی را مقدم می شمارد در روند جانشینی زبانی در می غلطند؛

با در نظر گرفتن این که جهانی شدن می بایست بر اساس تلقیای از تنوع زبانی و فرهنگی غالب آمده بر روندهای یکسانسازی و تجرید حذفی زبانها و فرهنگها بنیاد گذارده شود؛

با در نظر گرفتن این نکته که به منظور تامین نمودن همزیستی صلح آمیز بین جمعیت‌های زبانی می بایست اصولی عمومی یافت شوند که تشویق و ارتقاء موقعیت و احترام به همه زبانها و کاربرد اجتماعی آنها در محیط‌های عمومی و خصوصی را تضمین نمایند؛

با در نظر گرفتن این که عوامل گوناگون با ماهیتهای غیرزبانی (عاملهای تاریخی سیاسی سرزمینی جمعیت شناسی اقتصادی اجتماعی-فرهنگی و اجتماعی-زبانی و عوامل دیگر مربوط به رفتارهای جمعی) مسائلی را ایجاد می کنند که منجر به نابودی به حاشیه رانده شدن و یا انحطاط زبانهای بی شمار می گردند و نیز برای این که بتوان راه حل های مناسبی برای هر مورد خاصی اعمال نمود حقوق زبانی می بایست به طوری همه جانبه بررسی گردند؛

با اعتقاد به این که "اعلامیه جهانی حقوق زبانی" به منظور تصحیح عدم توازنهای زبانی در پرتو تضمین احترام و توسعه کامل همه زبانها و پایه گذاری اصولی برای صلح و برابری عادلانه زبانی در سراسر جهان به عنوان عاملی کلیدی در حفظ روابط اجتماعی موزون مورد نیاز می باشد؛

بدینوسیله اعلام می دارند که آغاز موقعیت هر زبان در پرتو ملاحظاتی که در زیر آمده اند محصول تقارب و اندرکنش دامنه وسیعی از عوامل با ماهیتهای سیاسی و قانونی ایدئولوژیک و تاریخی جمعیتشناختی و قلمرو- سرزمینی اقتصادی و اجتماعی فرهنگی زبانشناختی و زبانی- اجتماعی بین زبانی و ذهنی است.

در حال حاضر این فاکتورها بدین گونه تعریف می شوند:

- تمایل دیرینه یکسانسازی اکثریت دولتها به کاهش تنوع و تشویق رفتارهایی که بر ضد چندگانگی فرهنگی و تکثر زبانی می باشند.

- سیر به سوی اقتصاد جهانی و بدنبال آن بازار جهانی اطلاعات ارتباطات و فرهنگ که باعث مختل گردیدن محیطهای مناسبات مشترک و گونه های تاثیر متقابلی که انسجام درونی جمعیت‌های زبانی را تضمین می نمایند می شود.

- مدل رشد اکونومیسیستی پیشنهاد شده توسط گروههای اقتصادی ماوراءملی که خواهان یکی نشان دادن کاهش کنترل‌های دولتی با پیشرفت و فردیت گرایی رقابتی بوده و باعث ایجاد نابرابریهای جدی و فزاینده زبانی فرهنگی اجتماعی و اقتصادی می گردد.

- جمعیت‌های زبانی در عصر حاضر از سوی عواملی مانند نداشتن حکومت‌های ملی (خودگردان) خود نفوس محدود و یا جمعیتی که به لحاظ جغرافیایی قسما و یا کاملا پراکنده شده است اقتصادی شکننده زبانی

استانداردیزه نشده و یا مدلی فرهنگی در ضدیت با مدل فرهنگی مسلط در معرض تهدید قرار دارند. این عوامل ادامه حیات و گسترش بسیاری از زبانها را عملاً غیرممکن می سازد مگر آن که اهداف اساسی زیرین ملحوظ شوند:

- از دیدگاه سیاسی هدف طراحی روشی برای سازماندهی تکثر و تنوع زبانی به گونه ای که به مشارکت موثر جمعیت‌های زبانی در این مدل توسعه جدید اجازه دهد.

- از دیدگاه فرهنگی هدف تامین و ایجاد محیط ارتباطات جهانی‌ای سازگار با مشارکت برابر همه خلقها جمعیت‌های زبانی و افراد در روند توسعه.

- از دیدگاه اقتصادی هدف تشویق پایدار توسعه بر پایه مشارکت همه و بر اساس احترام به تعادل محیط زیست جوامع و در روابط برابر بین همه زبانها و فرهنگها.

بنا به همه دلایل فوق الذکر این اعلامیه مبداء حرکت خود را "جمعیت‌های زبانی" و نه "دولتها" قرار می‌دهد و می بایست به این اعلامیه در متن تقویت موسسات بین‌المللی قادر به تضمین نمودن توسعه برابر و پایدار همه جامعه بشری نگریست. به همین دلایل همچنین از اهداف این اعلامیه تشویق ایجاد چهارچوبی سیاسی برای تنوع زبانی مبتنی بر احترام همزیستی هماهنگ و منافع متقابل می باشد.

عنوان مقدماتی: مفاهیم

ماده ۱

۱- این بیانیه "جمعیت زبانی" را بدین گونه تعریف می نماید: هر جامعه انسانی که به لحاظ تاریخی در "محیط سرزمینی" معینی فارغ از به رسمیت شناخته شدن و یا نشدن آن سکنی گزیده و خود را به عنوان یک توده با هویت واحد دانسته و زبان مشترکی را به عنوان وسیله ای طبیعی برای ارتباط و هم بندی فرهنگی بین اعضای آن توسعه داده است. تعبیر "زبان خاص یک سرزمین" (زبان نیاخاکی) به زبان جمعیتی که به شرح فوق در همچو محیطی سکنی گزیده باشد اطلاق می‌شود.

۲- این اعلامیه مبداء حرکت خود را بر این اصل قرار می دهد که حقوق زبانی در عین حال و یکجا هم فردی و هم جمعی می باشند. در تعریف دامنه کامل حقوق زبانی این اعلامیه مرجع خود را مورد یک جمعیت زبانی تاریخی در محیط سرزمینی خود قبول می نماید. و آنچه از این محیط درک می‌شود نه تنها گستره جغرافیایی که جمعیت در آنجا زندگی می نماید بلکه محیط اجتماعی و عملیای که برای توسعه و شکوفایی تمام و کمال یک زبان حیاتی است می باشد. تنها بر این اساس امکان دارد که حقوق زبانی گروههای ذکر شده در نقطه ۵ ام این اعلامیه و حقوق افرادی که در خارج سرزمین زبانی خویش می زیند را برحسب پیوستگی و درجه بندی تعریف نمود.

۳- به منظور کاربرد در این بیانیه گروه‌هایی که دارای یکی از موقعیتهای زیر باشند نیز متعلق به یک جمعیت زبانی و ساکن در سرزمین خود شمرده می‌شوند:

الف- هنگامی که آنها از بدنه اصلی جمعیت خود توسط مرزهای اداری و یا سیاسی جدا شده باشند.

ب - هنگامی که در طول تاریخ در منطقه کوچک جغرافیایی محصور شده توسط اعضاء جوامع زبانی دیگر تثبیت شده باشند.

ج- هنگامی که در منطقه جغرافیایی که در آن با اعضاء جمعیت‌های زبانی دیگری با سوابق تاریخی مشابه سهیم و شریکند تثبیت شده باشند.

۴- این بیانیه همچنین مردمان عشایری کوچرو در مناطق قشلاق- بیلاق خودشان و همچنین مردمان تثبیت شده در نواحی به لحاظ جغرافیایی پراکنده را به عنوان جمعیت‌های زبانی در سرزمین‌های تاریخی خود می‌پذیرد.

۵- این اعلامیه "گروه زبانی" را بدین شکل تعریف می‌نماید: هر گروه از اشخاص دارای زبان واحد که زبانشان در محیط سرزمینی جمعیت زبانی دیگری تثبیت شده اما دارای سابقه تاریخی برابری با اشخاص جمعیت مهمانپذیر نبوده نباشد. نمونه‌های این چنین گروه‌هایی مهاجرین پناهندگان اشخاص دیپورت شده و اعضاء دیاسپورا می‌باشند.

ماده ۲

۱- این بیانیه اعلام می‌دارد که هرگاه گروه‌ها و جمعیت‌های زبانی گوناگون در سرزمین واحدی مشترک باشند حقوق مندرجه در این اعلامیه می‌بایست بر اساس احترام متقابل و به گونه‌ای اعمال شوند که دموکراسی به حداکثر اندازه ممکنه تضمین گردد.

۲- در جستجو برای وصول به تعادل اجتماعی-زبانی رضایت بخش به عبارت دیگر به منظور ایجاد هماهنگی مناسب بین حقوق مربوطه چنین جمعیت‌ها و گروه‌های زبانی و افراد متعلق بدانها عوامل مختلفی - علاوه بر سوابق تاریخی مربوطه آنها در سرزمینها و مطالبات آنها که به روشهای دموکراتیک بیان شده‌اند- می‌باید در نظر گرفته شوند. این چنین عواملی شامل ماهیت اجباری مهاجرتها که منجر به همزیستی جمعیت‌ها و گروه‌های مختلف می‌شود و همچنین درجه آسیب پذیری فرهنگی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی آنها می‌گردد.

ماده ۳

۱- این اعلامیه حقوق زیر را به عنوان حقوق شخصی غیرقابل سلبی که در هر گونه شرایط امکان برخوردار از آنها وجود دارد قبول می‌نماید:

- حق به رسمیت شناخته شدن شخص به عنوان عضوی از یک جمعیت زبانی؛
- حق شخص برای استفاده از زبان خود در مکانهای خصوصی و عمومی؛
- حق شخص برای استفاده از نام خود؛
- حق شخص برای ایجاد مناسبات و پیوند با دیگر اعضای جمعیت زبانی مبداء خود؛
- حق شخص برای حفظ و گسترش فرهنگ خود؛
- و همه حقوق دیگر مربوط به زبان که در ”کنوانسیون بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶” و ”کنوانسیون بین‌المللی در باره حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی“ به همان تاریخ به رسمیت شناخته شده اند.

۲- این بیانیه اعلام می‌دارد که حقوق جمعی گروههای زبانی علاوه بر حقوق فوق الذکر که تک تک افراد عضو گروههای زبانی از آنها برخوردار می‌باشند در تطابق با شرایط تشریح شده در بند ۲.۲ شامل موارد زیر می‌باشد:

- حق گروههای زبانی برای آموخته شدن زبان و فرهنگشان؛
- حق گروههای زبانی برای دستیابی به خدمات فرهنگی؛
- حق گروههای زبانی برای حضور برابر زبان و فرهنگهایشان در رسانه های ارتباطی؛
- حق گروههای زبانی در دریافت توجه و اعتناء نهادهای حکومتی و در روابط اجتماعی-اقتصادی تهیه شده به زبان خود.

۳- حقوق فوق الذکر اشخاص و گروههای زبانی به هیچ طریقی نمی‌بایست مانع برقراری مناسبات متقابل بین اینگونه اشخاص و گروههای زبانی با جمعیت زبانی مهمانپذیر و یا ادغامشان در آن جمعیت گردد. همچنین این حقوق نباید به محدود نمودن حقوق جمعیت مهمانپذیر و یا اعضاء آن در کاربرد زبان خود جمعیت در سراسر فضای سرزمینی آن زبان منجر شود.

ماده ۴

۱- این اعلامیه بیان می‌دارد اشخاصی که به سرزمین جمعیت زبانی دیگری رفته در آنجا ساکن می‌شوند حق دارند و موظف اند که نسبت به این جمعیت (مهمانپذیر) رفتاری همگرایانه از خود نشان دهند. آنچه از این بیان استنباط می‌شود تلاشی اضافی است از سوی اینگونه اشخاص برای انسیت با اعضاء جمعیت مهمانپذیر؛ به طرزى که در ضمن حفظ خصوصیات فرهنگی اصلی خویش؛ مراجع ارزشها و گونه های رفتاری کفایای را با جامعه ای که در آن سکنی گزیده اند سهیم شوند. این امر آنها را قادر خواهد ساخت

که به لحاظ اجتماعی و بدون مواجه شدن با مشکلاتی بیش از آنچه اعضای جمعیت مهمان پذیر با آن مواجه اند کار آ عمل نمایند .

۲- این اعلامیه از سوی دیگر بیان می کند که یکسانسازی -آسیمیلیسیون تعبیری به مفهوم اخذ فرهنگ جامعه میهمان پذیر به شکلی که خصوصیات فرهنگی اصلی با مراجع ارزشها و گونه های رفتاری جامعه مهمان پذیر جایگزین می گردند به هیچوجه نباید تحمیلی و یا جبری بوده و تنها می تواند که محصول انتخابی تماما آزادانه باشد.

ماده ۵

این اعلامیه بر این اساس استوار است که حقوق تمامی جمعیت های زبانی مساوی و مستقل از موقعیت این زبانها به عنوان زبان رسمی محلی و یا اقلیتی بودن می باشد. در این اعلامیه تعبیراتی مانند محلی و یا اقلیتی به کار برده نشده اند زیرا - هرچند در بعضی موارد مشخص شناسانی زبانها به عنوان اقلیتی و یا محلی می تواند احقاق برخی از حقوق معین را تسهیل نماید- با اینهمه این و دیگر تعابیر جرح و تعدیل کننده غالبا برای اعمال محدودیت بر حقوق جمعیت های زبانی به کار برده می شوند.

ماده ۶

این اعلامیه اعلام می کند که نمیتوان تنها بر این مبناء که یک زبان زبان رسمی دولت است و یا به طور سنتی برای مقاصد اداری و یا برخی از فعالیتهای فرهنگی مشخص در یک سرزمین به کار رفته است آنرا ”زبان خاص سرزمین“ بشمار آورد.

عنوان اول: اصول عمومی

ماده ۷

۱- همه زبانها بیان هویتی جمعی و راهی مجزا برای درک و توصیف واقعیت اند و بنابراین می بایست که از همه شرایط لازم برای گسترش و پیشرفتشان در همه نوع فعالیت و کارکرد برخوردار باشند.

۲- همه زبانها محصول آفرینش جمعی بوده و به عنوان ابزار همبستگی تعیین هویت ارتباط و افاده خلاق برای استفاده فردی در درون یک جمعیت در دسترس همگان قرار دارند.

ماده ۸

۱- همه جمعیت های زبانی از حق سازماندهی و مدیریت منابع خویش برای تضمین نمودن کاربرد زبانهایشان در همه فعالیتهای در درون جامعه برخوردارند.

۲- همه جمعیت‌های زبانی محق اند که بر هرگونه وسائط لازمه ممکن برای تضمین نمودن انتقال و پیوستگی زمانی زبان خود دسترسی داشته باشند.

ماده ۹

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که سیستم زبانی خود را بدون مداخلات اجباری و یا القایی تنظیم و استانداردیزه نموده حفظ توسعه و ارتقاء دهند.

ماده ۱۰

۱- همه جمعیت‌های زبانی دارای حقوق برابرند.

۲- این اعلامیه تبعیض بر علیه جمعیت‌های زبانی را غیرقابل قبول می‌داند فارغ از آن که این تبعیض بر مبنای درجه حاکمیت سیاسی مستقل جمعیت زبانی؛ موقعیت تعریف شده آن جمعیتها از لحاظ اجتماعی اقتصادی و یا دیگر لحاظها؛ درجه استانداردیزه شدن مدرنیزاسیون و یا به روز شدگی زبانهایشان و یا هر معیار دیگری اعمال گردد.

۳- همه گامهای ضرور برای تحقق اصل برابری و به جا آوردن موثر آن می‌بایست برداشته شوند.

ماده ۱۱

همه جمعیت‌های زبانی از حق دستیابی به و استفاده از همه وسائط ترجمه به دیگر زبانها و یا ترجمه از دیگر زبانها که برای تضمین نمودن اعمال و برخورداری از حقوق ذکر شده در این اعلامیه ضروری باشند برخوردارند.

ماده ۱۲

۱- هر کس حق دارد که کلیه فعالیت‌های خود را در محیط‌های عمومی به زبان خویش به جا آورد؛ به شرط آن که آن زبان "زبان خاص سرزمینی" محلی باشد که وی در آن ساکن است.

۲- هر کس حق دارد که زبان خود را در محیط‌های شخصی و خانوادگی به کار برد.

ماده ۱۳

۱- هر کس حق دارد که زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) خود را که در آن زندگی می‌کند بیاموزد.

۲- هر کس حق دارد که چند زبانه شود و بر اساس تضمیناتی که در این اعلامیه برای کاربرد عمومی زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) تثبیت شده اند و بدون هیچ گونه پیشداوری مناسبترین زبانی را که موجب پیشرفت شخصی و یا تحرک اجتماعی وی می گردد آموخته و به کار برد.

ماده ۱۴

تدابیر این اعلامیه نمیتوانند به طرزى تفسیر شوند و یا به کار روند که به نرمها و یا رویه های عملی ناشی از موقعیت داخلی و یا بین‌المللی یک زبان - که برای کاربرد آن زبان در سرزمین خود مناسبتر می باشند- زیان برسانند.

عنوان دوم: رژیم جامع زبانی

بخش اول: ادارات دولتی و نهادهای رسمی

ماده ۱۵

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که زبانهایشان در سرزمین- قلمرو خود به طور رسمی به کار برده شوند.

۲- همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که تمام اسناد اداری مدارک شخصی و دولتی و قیدیات محضرهای عمومی ثبت شده به زبان خاص سرزمینشان (زبان نیاخاکیشان) معتبر و قابل اجراء شناخته شوند. و هیچ کس و مقامی نمیتواند تظاهر به نادیده گرفتن و بی خبری از این زبان بنماید.

ماده ۱۶

همه اعضای یک جمعیت زبانی حق دارند که با مقامات دولتی به زبان خویش ارتباط برقرار کرده و اعتناء متقابل در زبان خود را از آنها دریافت کنند. این حق همچنین بخشهای مرکزی سرزمینی محلی و تقسیمات فرامنطقه ای شامل سرزمینی که زبان مورد نظر زبان خاص نیاخاکی آن می باشد را فرامی‌گیرد.

ماده ۱۷

۱- همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که به همه اسناد و مدارک رسمی که به نحوی مربوط به سرزمین نیاخاکی یک زبان می باشد تهیه شده در زبان خودشان دسترسی داشته و آنها را کسب نمایند چه این چنین مدارکی چاپی قابل خواندن با ماشین و یا در هر فرم دیگری بوده باشد.

۲- فرمها و اسناد اداری استاندارد چه در شکل چاپی و چه در شکل قابل خواندن توسط ماشینها و یا به هر فرم دیگر باید به همه زبانها تهیه شده و در محلهای قابل دسترسی برای عموم و استفاده آنها قرار

گیرند. این خدمت باید توسط مقامات دولتی به شکلی انجام پذیرد که همه سرزمینهایی را که برای یک زبان سرزمین خاص زبانی (نیاخاکی) شمرده می شوند تحت پوشش قرار دهد.

ماده ۱۸

۱- همه جمعیتهای زبانی حق دارند که قوانین و دیگر ملاحظات قانونی که به نحوی به آنها مربوط می شود به زبان خاص سرزمینیشان (زبان نیاخاکشان) تهیه و منتشر شوند.

۲- مقامات دولتی که در حوزه حاکمیت خود دارای بیش از یک زبان خاص سرزمینی (زبان نیاخاکی) تاریخی هستند می بایست همه قوانین و مقررات دیگر قانونی و حقوقی دارای ماهیت عمومی را به تک تک این زبانها تهیه و منتشر سازند. فارغ از این که متکلمین به هر کدام از این زبانها قادر به فهم زبانهای دیگر باشند و یا نه.

ماده ۱۹

۱- زبان رسمی همه مجالس نمایندگی می بایست زبان(های) به طور تاریخی رایج در سرزمینهایی که نمایندگان نمایندگی آن را بر عهده دارند باشد.

۲- این حق همچنین شامل زبانهای جمعیتهای زبانی سکنی گزیده در مناطق جغرافیایی پراکنده که به آنها در بند ۱ پاراگراف چهار اشاره گردید نیز می شود.

ماده ۲۰

۱- هرکس حق دارد زبانی را که به طور تاریخی در یک سرزمین به آن تکلم می شود - هم به شکل شفاهی و هم به شکل نوشتاری- در محاکم و دادگاههای قضایی واقع در آن سرزمین به کار برد. محاکم قضایی باید در امورات داخلی خود زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) را به کار برند و اگر بنا به سیستم حقوقی فعلا موجود در کشور ضرورتی به ادامه جریان محاکمات در محلی دیگر موجود باشد می باید به کاربرد زبان اصلی در محل جدید همچنان ادامه داده شود.

۲- هر کس حق دارد که در تمام موارد به زبانی که آنرا درک می کند و قادر به تکلم به آن است محاکمه شود همچنین حق دارد که از خدمت مترجمی مجانی بهره مند گردد.

ماده ۲۱

همه جمعیتهای زبانی حق ثبت و بایگانی مدارک و اسناد به زبان سرزمینی خود (زبان نیاخاکی) توسط محضرهای عمومی را دارا می باشند.

ماده ۲۲

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که مدارک تایید شده آنها توسط ثبت اسناد محضرهای عمومی و یا دیگر ماموران صلاحیتدار دولتی به زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) محل خدمت ماموران دولتی و یا محضرهای عمومی تهیه و تنظیم شوند.

بخش دوم: تحصیل

ماده ۲۳

۱- آموزش و تحصیل می‌بایست در سرزمینی که در آن عرضه می‌گردد به تشویق افاده فرهنگی خود از سوی جمعیت زبانی کمک نماید.

۲- آموزش و تحصیل می‌بایست در سرزمینی که عرضه می‌شود به حفظ و توسعه زبانی که یک جمعیت زبانی به آن سخن می‌گوید یاری رساند.

۳- آموزش و تحصیل همواره می‌بایست در خدمت تکثر و تنوع زبانی و فرهنگی و روابط آهنگ دار بین جمعیت‌های زبانی گوناگون در سراسر جهان باشد.

۴- در بستر اصول پیش گفته هر کس حق دارد که هر زبانی را بیاموزد.

ماده ۲۴

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند در باره گستره حضور زبانشان به عنوان زبان رابط و به عنوان زبان مورد مطالعه در تمام سطوح تحصیلی در سرزمین خود (پیش دبستانی ابتدایی متوسطه حرفه ای و فنی دانشگاهی و آموزش بزرگسالان) تصمیم بگیرند.

ماده ۲۵

همه جمعیت‌های زبانی از حق دستیابی و کاربرد همه منابع انسانی و مادی لازم برای تضمین نمودن حضور زبانشان در همه سطوح تحصیلی در نیاخاک خود از قبیل آموزگاران ورزیده روشهای آموزشی مناسب کتب و متون درسی منابع مالی تجهیزات و ساختمانها تکنولوژی های سنتی و مدرن و در وسعتی که خواهان آنند برخوردار می‌باشند.

ماده ۲۶

همه جمعیت‌های زبانی محق اند از تحصیلی که اعضای آن جامعه را قادر به تسلط کامل در کاربرد زبانشان سازد شامل تواناییهای مختلف مربوط به همه محیطهای روزمره کاربرد زبان همچنین گسترده ترین تسلط ممکنه به هر زبان دیگری که خواهان یادگیری آن باشند برخوردار شوند.

ماده ۲۷

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند از تحصیلی که اعضای آن جمعیت را قادر به کسب دانش هر زبانی که مربوط به سنن فرهنگی‌شان بوده باشد برخوردار شوند. مانند زبانهای ادبی و یا زبانهای مقدس که سابقاً زبانهای معمول آن جمعیت بوده اند.

ماده ۲۸

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که از تحصیلی که اعضای آن جمعیت را به دستیابی به آگاهی همه جانبه در باره میراث فرهنگی خود (تاریخ جغرافیا ادبیات و دیگر نموده‌های فرهنگی‌شان) قادر سازد برخوردار شوند. همچنین محق اند که از گسترده ترین آگاهی ممکنه در باره هر فرهنگ دیگری که خواهان دانستن آن باشند بهره مند شوند.

ماده ۲۹

۱- هر کس محق است که از تحصیل و آموزش به زبان خاص سرزمین خود که در آنجا ساکن است (زبان نیاخاکی) برخوردار گردد.

۲- این حق کسب دانش گفتاری و نوشتاری زبانی دیگر را که شخص ممکن است به عنوان ابزار ارتباط با دیگر جمعیت‌های زبانی به کار برد نفی و سلب نمی کند.

ماده ۳۰

زبان و فرهنگ همه جمعیت‌های زبانی می بایست که موضوع مطالعه و تحقیقات علمی در سطح دانشگاهی قرار گیرند.

بخش سوم: نامهای شخصی

ماده ۳۱

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که سیستم نامهای شخصی خویش را در همه محیطها و در همه مناسبتها حفظ نموده و آنها را به کار برند.

ماده ۳۲

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که نامهای محل و مکان به زبان خاص سرزمینی خود را (زبان نیاخاکی) هم به صورت شفاهی و هم به صورت کتبی در محیطهای خصوصی عمومی و رسمی به کار برند.

۲- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که نامهای بومی محلها و مکانها را تثبیت و حفظ نموده در آنها

اصلاحاتی اعمال نمایند. همچو نامهای امکنه را نمیتوان به طور کیفی موقوف و منسوخ نمود و یا تحریف و جرح و تعدیل کرد. همچنین نمیتوان اینگونه نامها را پس از تغییرات سیاسی و یا هر گونه دگرگونی حادثه دیگر تغییر داد.

ماده ۳۳

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که جمعیت خود را به همان نامی که در زبان خودشان به کار می‌برند بنامند. هرگونه ترجمه به زبانهای دیگر می‌بایست از نام‌گذاریهای تحقیر آمیز و ابهام انگیز اجتناب نماید.

بند ۳۴

هر کس حق دارد که نام خود را در همه محیطها به زبان خویش به کار برد. و همچنین حق دارد که نامش اگر لزومی به به کار بردن سیستم نوشتاری متفاوت با زبان وی وجود داشته باشد با لحاظ دقیقترین آوانگاری ممکن ثبت گردد.

بخش چهارم: رسانه های ارتباطی و تکنولوژیهای جدید

ماده ۳۵

همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که در باره درجه حضور زبانشان در رسانه های ارتباطی در سرزمین خود (نیاخاک خود) بدون در نظر گرفتن متد پخش و یا انتقال تولیدات آنها تصمیم بگیرند. چه این رسانه ها محلی و یا سنتی چه رسانه های دارای شمول گسترده تر و چه رسانه هایی که از تکنولوژیهای پیشرفته تر استفاده می کنند باشند.

ماده ۳۶

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که به همه منابع مادی و انسانی لازم برای تضمین نمودن درجه مطلوبی از حضور زبان خویش و درجه مطلوبی از افاده فرهنگی خودشان در رسانه های ارتباطی در سرزمین خود؛ و از پرسنل ورزیده منابع مالی ساختمانها و تجهیزات تکنولوژیهای سنتی و مدرن دسترسی داشته باشند.

ماده ۳۷

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که از طریق رسانه های ارتباطی آگاهی کاملی در باره میراث فرهنگی خویش (تاریخ جغرافیا ادبیات و دیگر نموده‌های فرهنگ شان) همچنین حداکثر اطلاعات ممکنه در باره هر فرهنگ دیگری که اعضای آن جمعیت خواستار دانستن آن باشند را دریافت نمایند.

ماده ۳۸

زبانها و فرهنگهای همه جمعیت‌های زبانی در سراسر جهان می‌بایست در رسانه‌های ارتباطی از معامله و برخوردی برابر و غیرتبعیض‌آمیز بهره‌مند شوند.

ماده ۳۹

جمعیت‌های توصیف شده در ماده ۱ پاراگراف ۳ و ۴ این اعلامیه و گروه‌های ذکر شده در پاراگراف ۵ همان ماده از حق برابر تمثیل زبانشان در رسانه‌های ارتباطی سرزمینی که در آن ساکنند و یا به آنجا مهاجرت می‌نمایند برخوردارند. این حق باید در هماهنگی با حقوق دیگر گروه‌ها و جمعیت‌های زبانی ساکن در آن سرزمین اعمال گردد.

ماده ۴۰

در عرصه تکنولوژی اطلاعاتی همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که به تجهیزات تطبیق داده شده با سیستم زبانشان و به ابزارآلات و محصولات تهیه شده در زبان خودشان دسترسی داشته باشند. به نحوی که بتوانند از همه امکانات و پتانسیلهای ممکنه توسط چنین تکنولوژی‌هایی برای افاده خود برای تحصیل در ارتباطات انتشارات ترجمه و پروسسینگ اطلاعاتی و پخش و کلا تبلیغ فرهنگشان حداکثر بهره‌برداری را بنمایند.

بخش پنجم: فرهنگ

ماده ۴۱

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که زبان خویش را در همه فرمهای افاده فرهنگی به کار برده آنرا حفظ نموده و توسعه دهند.

۲- همه جمعیت‌های زبانی می‌بایست بتوانند حق مذکور را تمام و کمال اعمال نمایند بی آن که محیط آن جمعیت به اشغال سلطه گرایانه فرهنگی بیگانه معروض شود.

ماده ۴۲

همه جمعیت‌های زبانی از حق رشد و توسعه تمام و کامل در داخل محیط فرهنگی خود برخوردارند.

ماده ۴۳

همه جمعیت‌های زبانی از حق دستیابی به آثار آفریده شده به زبان خود برخوردار می‌باشند.

ماده ۴۴

همه جمعیت‌های زبانی محق اند که به برنامه های بین فرهنگها از طریق پخش اطلاعات کافی دسترسی داشته باشند. همچنین حق دارند که از فعالیتهایی مانند آموزش زبانشان به خارجیان ترجمه دوبلاژ پست سنکرونیزاسیون و زیرنویسی حمایت نمایند.

ماده ۴۵

همه جمعیت‌های زبانی از این حق برخوردارند که زبان خاص سرزمینیشان (زبان نیاخاکیشان) جایگاه ممتازی را در رویدادها و خدمات فرهنگی (کتابخانه ها کلوبهای ویدئویی سینماها تئاترها موزه ها آرشیوها فرهنگ عامه صنایع فرهنگی و در همه دیگر نموده‌های حیات فرهنگی) اشغال نماید.

ماده ۴۶

همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که میراث زبانی و فرهنگی خویش را شامل نموده‌های مادی آن مانند مجموعه های اسناد آثار هنری و معماری ابنیه تاریخی و متون نوشته شده به زبان خود را محافظه نمایند.

بخش ششم: محیط اجتماعی- اقتصادی

ماده ۴۷

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که کاربرد زبان خویش در همه فعالیتهای اجتماعی-اقتصادی در سرزمینهای خود را نهادینه نمایند.

۲- همه اعضای جمعیت‌های زبانی محق اند که برای اجرای فعالیتهای حرفه ای خود به همه وسائط ضروری تهیه شده به زبانشان مانند اسناد و کارهای مرجع دستورالعملها فرمها و تجهیزات کامپیوتری ابزارآلات و تولیدات دسترسی داشته باشند.

۳- استفاده از زبانهای دیگر در این محیط تنها در صورتی می‌تواند مورد احتیاج باشد که طبیعت فعالیت حرفه ای نیاز به آنرا موجه سازد. به همه حال در هیچ شرایطی زبان تازه واردتر نمی‌تواند موقعیت زبان نیاخاک را تنزل داده و یا جانشین استفاده از آن گردد.

ماده ۴۸

۱- در درون سرزمین جمعیت زبانی خویش هر کس حق دارد که زبان خود را با اعتبار قانونی کامل در همه معاملات اقتصادی از هر جنس مانند خرید و فروش کالاها و خدمات بانکداری بیمه قراردادهای شغلی و غیره به کار برد.

۲- هیچ ماده ی از اینگونه مقررات و عقدهای خصوصی نمی‌تواند کاربرد زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاک) را محدود و یا ممنوع سازد.

۳- در داخل سرزمین یک جمعیت زبانی هر کس محق شمرده می‌شود که به همه اسناد لازم برای انجام عملیات فوق الذکر تهیه شده به زبان خویش دسترسی داشته باشد. این چنین اسنادی شامل فرمها چکها قراردادها رسیدهها صورت حسابها سفارشنامه ها دریافت نامه ها و غیره می‌شود.

ماده ۴۹

در داخل سرزمین هر جمعیت زبانی هر شخص حق دارد که زبان خویش را در انواع سازمانهای اجتماعی-اقتصادی مانند تشکیلات اتحادیه ای و سندیکاهای کارگری انجمنهای حرفه ای کارفرمایان اصناف و بازرگانی به کار برد.

ماده ۵۰

۱- همه جمعیت‌های زبانی حق دارند که زبانشان از جایگاهی ممتاز در تبلیغات آگهیها تابلوها علائم و نشانگاههای بیرونی و به عنوان یک کل در چهره کشور برخوردار باشد.

۲- در داخل سرزمین جمعیت زبانی هر کس حق دارد به اطلاعات تمام و کامل شفاهی و نوشتاری تهیه شده به زبان خود در باره کالاها و خدمات عرضه شده توسط موسسات بازرگانی از جمله به نحوه استفاده اتیکتها لیست های مواد سازنده تبلیغات و آگهیها ضمانت نامه ها و غیره دستیابی داشته باشد.

۳- همه علائم و نشانه های عمومی که تاثیر گذار بر سلامتی اشخاصند به قید آن که پست تر از نشانه های مربوط به زبانهای دیگر نباشند می بایست که اقلا به زبان خاص سرزمین (زبان نیاخاکی) تهیه شوند.

ماده ۵۱

۱- همه کس حق دارد زبان خاص سرزمین خود را در ارتباط با شرکتها و موسسات بازرگانی و نهادهای خصوصی به کار برد و به همان زبان پاسخ و یا خدمت دریافت دارد.

۲- هر کس حق دارد به عنوان یک مشتری مصرف کننده خریدار و یا استفاده کننده از موسسات عمومی اطلاعات شفاهی و نوشتاری تهیه شده به زبان خاص سرزمین خود را (زبان نیاخاکی) دریافت دارند.

ماده ۵۲

هر کس حق دارد تمام فعالیت‌های حرفه ای خویش را به زبان خاص سرزمین خود (زبان نیاخاکی) به انجام رساند. مگر آن که طبیعت شغلش کاربرد زبانهای دیگری را الزامی سازد مانند معلمین زبانهای خارجی مترجمین و یا راهنمایان توریستی.

ملاحظات اضافی

نخست

مقامات دولتی می باید تمام گامهای لازم برای تحقق و جاری شدن حقوق مندرجه در این اعلامیه را در محدوده حوزه صلاحیتهای خویش بردارند. به طور مشخص تر برای تشویق نمودن تحقق حقوق زبانی جمعیتهایی که آشکارا از جنبه منابع مالی در مضیقه می باشند می بایست منابع مالی بین المللی تدارک دیده شوند. بنابراین مقامات دولتی می بایست حمایت لازمه برای استانداردیزه شدن ترجمه آموخته شدن و استفاده از زبانهای جمعیتهای گوناگون تحت اداره خود را فراهم نمایند.

دوم

مقامات عمومی می بایست مطلع شدن نهادهای رسمی سازمانها و اشخاص مرتبط را با حقوق و وظائف مربوطه ناشی از این اعلامیه تضمین و تامین نمایند.

سوم

مقامات عمومی می بایست در پرتو سیستم قانونگذاری موجود مجازاتی قابل اجراء برای هرگونه اخلاق در حقوق زبانی تشریح شده در این بیانیه برپادارند.

ملاحظات نهایی

نخست

این اعلامیه بنیانگذاری "شورای زبانها" در بنیه سازمان ملل متحد را توصیه می نماید. مجمع عمومی سازمان ملل متحد عهده دار برپاساختن چنین شورایی تعریف وظائف آن و انتساب اعضای شورا؛ و همچنین عهده دار ایجاد نهادی در قوانین بین المللی برای حفاظت از جمعیتهای زبانی در دستیابی و اعمال حقوق خویش که در این اعلامیه شناخته شده اند خواهد بود.

دوم

این اعلامیه تشکیل "کمیسیون جهانی حقوق زبانی" را نهادی غیر رسمی و مشاوره ای مرکب از نمایندگان سازمانهای غیر دولتی و دیگر تشکیلات فعال در زمینه قوانین زبانی توصیه و تشویق می نماید. (بارسلون، ژوئن ۱۹۹۶)

کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی

مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد

متن زیر کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی که ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده، می‌رساند.

مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ میلادی (مطابق با سی ام آبان ماه هزار و سیصد و چهل و چهار شمسی ۳۰/۸/۱۳۴۴)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۲۱)

دول عاقد این قرارداد:

نظر به اینکه منشور ملل متحد مبتنی بر اصول حیثیت ذاتی و تساوی کلیه افراد انسانی و کلیه دول عضو ملل متحد متعهد شده‌اند که منفرداً و مشترکاً با همکاری سازمان برای نیل به یکی از هدفهای ملل متحد یعنی توسعه و تشویق احترام جهانی و واقعی به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تمایز نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب اقدام نمایند.

نظر به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد که کلیه افراد انسانی به طور آزاد و یکسان از لحاظ حیثیت و حقوق متولد می‌شوند و باید بتوانند از کلیه حقوق و آزادیهای مندرج در آن اعلامیه بدون تمایز به خصوص از حیثیت نژاد و رنگ و یا ملیت برخوردار شوند.

نظر به اینکه کلیه افراد بشر در پیشگاه قانون برابر بوده و حق دارند علیه هر نوع تبعیض و هر نوع تحریک به تبعیض از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند.

نظر به اینکه ملل متحد استعمار و کلیه روش‌های تفکیک و تبعیضی را که به همراه دارد به هر شکل و در هر محلی که موجود باشد محکوم نموده و اعلامیه مورخ چهاردهم دسامبر ۱۹۶۰ راجع به اعطای استقلال به کشورها و ملل مستعمره (قطعنامه ۱۵۱۴ دوره پانزدهم مجمع عمومی) لزوم ختم سریع و بی‌قید و شرط استعمار را تأیید و رسماً اعلام نموده.

نظر به اینکه اعلامیه مورخ بیستم نوامبر ۱۹۶۳ ملل متحد (قطعنامه ۱۹۰۴ - دوره هیجدهم مجمع عمومی) راجع به رفع هر نوع تبعیض نژادی رسماً لزوم رفع سریع کلیه اشکال و همه مظاهر تبعیضات نژادی را در سراسر گیتی و همچنین لزوم تأمین تفاهم و احترام به حیثیت شخص انسانی را مورد تأیید قرار داده.

با اطمینان به اینکه فرضیه سیادت و تفوق مبتنی بر اختلاف بین نژادها عملاً مردود و اخلاقاً محکوم و از نظر اجتماعی غیر عادلانه و خطرناک بوده و تبعیض نژادی نه از لحاظ نظری و نه از لحاظ عملی قابل توجیه نمی‌باشد با تأیید مجدد اینکه تبعیض بین افراد بشر به جهات مبتنی بر نژاد و رنگ و یا ریشه قومی سدی در برابر وجود روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز در میان ملل بوده و امکان دارد صلح و امنیت بین ملل و همچنین همزیستی هم آهنگ اشخاص را در داخل یک دولت مختل سازد.

با اطمینان به اینکه وجود موانع نژادی با آرمان‌های جامعه بشری قابل جمع نیست.

با احساس خطر از مظاهر تبعیض نژادی که هنوز در برخی از نواحی جهان مشهود است و نیز از سیاست‌های حکومتی مبتنی بر برتری یا تنفر نژادی از قبیل آپارتاید - و تفکیک وجدانی مصمم به اتخاذ کلیه تدابیر لازم برای امحاء سریع کلیه اشکال و تمامی مظاهر تبعیض نژادی و مصمم به پیش‌گیری و مبارزه با فرضیه‌ها و رویه‌های نژادی - به منظور تسهیل حسن تفاهم بین نژادها بر مبنای یک جامعه بین‌المللی که از قید کلیه اشکال تبعیض و تفکیک نژادی آزاد باشد.

با تذکر مفاد قرارداد مربوط به رفع تبعیض در مورد شغل و حرفه مصوب سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۵۸ و با توجه به قرارداد مربوط به مبارزه با تبعیض نژادی در زمینه تعلیم که از طرف سازمان فرهنگی و علمی و تربیتی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۶۰ به تصویب رسیده.

با تمایل به اجرای اصول مقرر در اعلامیه ملل متحد راجع به رفع کلیه انواع تبعیضات نژادی و حصول اطمینان از اتخاذ سریع تدابیر عملی در این راه به شرح زیر موافقت نمودند:

بخش ۱

ماده ۱

۱. در قرارداد حاضر اصطلاح "تبعیض نژادی" اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که بر اساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملی و یا قومی مبتنی بوده و هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قراردادن شناسایی یا تمتع و یا استیفاء در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد.
۲. قرارداد حاضر ناظر به تمایزات و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها و یا رجحاناتی که هر یک از دول عاقد قرارداد بین اتباع خود و اتباع سایر دول قائل می‌شوند نخواهد بود.
۳. مقررات قرارداد حاضر را نباید طوری تفسیر نمود که در مقررات قانونی دول عاقد راجع به تابعیت و ملیت و قبول تابعیت به نحوی از انحاء مؤثر واقع شود. مشروط بر اینکه مقررات مزبور علیه ملیت خاصی قائل به تبعیض نباشد.
۴. تدابیر خاصی که صرفاً به منظور تأمین ترقی شایسته برخی از گروه‌های نژادی یا قومی یا افرادی که برای تمتع و استیفاء از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در شرایط متساوی محتاج

حمایت‌اند اتخاذ شده باشد - به منزله تدابیری که جنبه تبعیض نژادی دارند تلقی نخواهد گردید مشروط بر اینکه این اقدامات منجر به برقراری حقوق متمایز برای گروه‌های نژادی مختلف نشود و پس از حصول هدف‌هایی که موجب اتخاذ تدابیر مذکور گردیده بود ادامه نیابد.

ماده ۲

۱. دول عاقد تبعیض نژادی را محکوم می‌نمایند و متعهد می‌شوند که با توسل به کلیه وسائل مقتضی و بدون درنگ سیاستی را دنبال کنند که هدف آن از بین بردن هر نوع تبعیض نژادی و تسهیل توافق و تفاهم در بین کلیه نژادها باشد و برای نیل به این مقصود:

الف - هر یک از دول عاقد متعهد می‌شود که به هیچ نوع اقدام و یا رفتار تبعیض نژادی علیه اشخاص و گروه‌های افراد و یا مؤسسات مبادرت نرزد و ترتیبی فراهم آورد که کلیه مقامات و مؤسسات دولتی اعم از مملکتی یا محلی این تعهد را رعایت نمایند.

ب - هر یک از دول عاقد متعهد می‌شود که هیچ روش تبعیض نژادی را که از طرف فرد یا سازمانی اتخاذ گردیده مورد تشویق و دفاع و یا تأیید قرار ندهد.

ج - هر یک از دول عاقد موظف است تدابیر مؤثری اتخاذ نماید که سیاست‌های مملکتی و محلی تجدیدنظر و مقرراتی را که موجب ایجاد و یا تثبیت و استمرار تبعیضات نژادی گردد در هر کجا که باشد اصلاح یا ابطال و یا فسخ کند.

د - هر یک از دول عاقد مکلف است به کلیه وسائل مقتضی و منجمله در صورت اقتضاء از طریق تدابیر تقنینیه اعمال هر نوع تبعیض نژادی را از ناحیه افراد یا دستگاه‌ها یا سازمان‌ها ممنوع سازد و بدان پایان دهد.

ه - هر یک از دول عاقد متعهد می‌شود عنداللزوم تشکیلات و نهضت‌های طرفدار یگانگی نژادها و سایر وسایل از میان بردن موانع بین نژادها را مورد تشویق قرار دهد و موجبات عدم ترغیب هر عملی را که باعث تقویت تفرقه نژادی می‌شود فراهم آورد.

۲. دول عاقد در صورت اقتضاء در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و غیره تدابیر خاص و معینی برای تأمین رشد و توسعه مطلوب برخی گروه‌های نژادی یا افراد وابسته به آنها و حمایت از این گروه‌ها و افراد اتخاذ می‌نمایند. این تدابیر بدین منظور اتخاذ می‌گردد که استیفای کامل حقوق بشری و آزادی‌های اساسی در شرایط متساوی برای ایشان تضمین شود ولی نباید پس از نیل به هدف موجب و منشأ حفظ حقوق غیرمتساوی و متمایز برای گروه‌های نژادی گردد.

ماده ۳

دول عاقد به خصوص تفکیک نژادی و اعمال روش‌های آپارتاید را تقبیح و محکوم می‌کنند و متعهد می‌شوند که در کلیه اراضی که در قلمرو صلاحیت قضائی آنهاست انجام این قبیل اعمال و روش‌ها را قدغن و ممنوع ساخته و آن را ریشه‌کن سازند.

دولت عاقد هر نوع تبلیغات و تشکیلاتی را که از افکار و نظریه‌های مبتنی بر تفوق یک نژاد و یا گروهی از اشخاصی که رنگ و یا منشأ قومی معین دارند الهام بگیرد و یا هر نوع تنفر و تبعیض نژادی را توصیه یا تشویق کند - تقبیح می‌نماید و متعهد می‌شوند که به منظور ریشه‌کن ساختن این چنین تحریکات یا تبعیضات و به طور کلی برای محو هر قسم تبعیض نژادی سریعاً تدابیر لازم را اتخاذ نمایند - و در این راه اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز حقوقی را که در ماده پنجم این قرارداد تصریح گردیده است مورد توجه قرار دهند.

دولت عاقد مخصوصاً متعهد می‌شوند که:

الف - نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی و همچنین اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد و یا هر گروه که از حیث رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز بذل هر نوع مساعدت منجمله کمک مالی به فعالیت‌های تبعیضی نژادی را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نماید.

ب - سازمان‌ها و فعالیت‌های تبلیغاتی متشکل و هر قسم فعالیت تبلیغاتی دیگر را که محرک تبلیغات نژادی بوده و یا آن را تشویق نماید و عضویت در این چنین سازمان‌ها را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نماید.

ج - به مقامات مسئول یا مؤسسات عمومی از مملکتی و یا محلی اجازه ندهند تبعیضات نژادی را ترغیب یا تشویق نمایند.

دولت عضو طبق تعهدات اساسی مندرج در ماده ۲ متعهد می‌شوند که تبعیضات نژادی را به هر شکل و صورتیکه باشد ممنوع و ریشه کن سازند و حق هر فرد را به مساوات در برابر قانون و به ویژه در تمتع از حقوق زیر بدون تمایز از لحاظ نژاد یا رنگ یا ملیت یا قومیت تضمین نمایند.

الف - حق برخورداری از رفتار مساوی در برابر محاکم و سایر مراجعی که اجرای عدالت را به عهده دارند.

ب - حق برخورداری از امنیت شخصی و حمایت دولت در برابر تجاوز و صدمه جسمی از ناحیه مأمورین دولت و یا هر فرد یا دسته یا تشکیلات.

ج - حقوق سیاسی و به خصوص حق شرکت در انتخابات و رأی دادن و نامزد شدن براساس سیستم اخذ رأی همگانی و یکسان و حق مشارکت در حکومت و اداره امور عمومی و حق نیل به مشاغل عمومی دولتی به هر رتبه و مقام در شرایط مساوی.

د - سایر حقوق مدنی - خصوصاً:

۱. حق رفت و آمد و انتخاب اقامتگاه در داخل یک کشور
 ۲. حق ترک هر کشور و منجمله ترک میهن خود و بازگشت به آن
 ۳. حق داشتن یک تابعیت
 ۴. حق ازدواج و انتخاب همسر خود
 ۵. حق تملک چه به صورت فردی و چه به شکل مشارکت
 ۶. حق توارث
 ۷. حق آزادی فکر و وجدان و مذهب
 ۸. آزادی عقیده و بیان
 ۹. حق آزادی اجتماع و تشکیل جمعیت‌های مسالمت‌آمیز
- ه - حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خصوصاً:

۱. حق کار کردن و انتخاب آزاد شغل و استفاده از شرایط عادلانه و رضایتبخش کار و برخورداری از حمایت در برابر بیکاری و دریافت دستمزد مساوی برای کار مساوی و دریافت پاداش منصفانه و رضایتبخش
 ۲. حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و عضویت در آنها
 ۳. حق مسکن
 ۴. حق استفاده از بهداشت عمومی و مراقبت‌های پزشکی و بیمه‌های اجتماعی و خدمات اجتماعی
 ۵. حق تحصیل و کارآموزی حرفه‌ای
 ۶. حق مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی با شرایط یکسان
- و - حق دسترسی به کلیه امکانات خدماتی که به عموم عرضه می‌شود از قبیل وسایط نقلیه و هتل‌ها و رستوران‌ها و کافه‌ها و تماشاخانه‌ها و پارک‌ها.

ماده ۶

دول عاقد برای کلیه افراد مشمول صلاحیت قضایی خود در برابر هر نوع تبعیض نژادی که حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد را برخلاف مقررات این قرارداد مورد تجاوز قرار دهد حمایت و یک طریقه دادرسی مؤثر در برابر محاکم ذیصلاحیت ملی و سایر مراجع صلاحیت‌دار مملکتی تأمین خواهند کرد و همچنین حق افراد را در مطالبه غرامت و جبران عادلانه و متناسب خسارتی که بر اثر اعمال تبعیضات نژادی وارد می‌گردد تضمین خواهند نمود.

ماده ۷

دول عاقد متعهد می‌شوند به منظور مبارزه با تعصباتی که منجر به تبعیضات نژادی می‌شود و نیز برای تعمیم و بسط تفاهم و روح گذشت و سازش و مودت در میان ملل و گروه‌ها و نژادها و اقوام مختلف و ترویج نیات و اصول منشور ملل متحد و مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه ملل متحد درباره رفع

تبعیضات نژادی و مفاد این قرارداد اقدامات مؤثر علی‌الخصوص در زمینه تعلیم و تربیت فرهنگ و نشر اخبار معمول دارند.

بخش ۲

ماده ۸

۱. کمیته‌ای به منظور رفع تبعیضات نژادی (که از این پس «کمیته» نامیده می‌شود) مرکب از هیجده نفر کارشناس واجد صفات عالی اخلاقی و بیطرفی که من باب اهلیت و مقام شخصی انجام وظیفه خواهند نمود و از طرف دول عاقد با توجه به لزوم توزیع جغرافیایی عادلانه و در برگرفتن اشکال مختلفه تمدن و سیستم‌های عمده قضائی انتخاب می‌شوند تشکیل خواهد شد.
۲. اعضای کمیته با رأی مخفی از بین کسانی که دول عاقد برای عضویت کمیته نامزد کرده‌اند انتخاب می‌شوند. هر دولت عضو می‌تواند یک نفر را از میان اتباع خود نامزد کند.
۳. نخستین انتخابات شش ماه پس از تاریخ اجرای این قرارداد انجام می‌گیرد. حداقل سه ماه قبل از تاریخ هر دوره انتخاباتی دبیرکل ملل متحد کتباً از دول عضو دعوت خواهد کرد تا نامزدهای انتخاباتی خود را ظرف دو ماه معرفی نمایند.
- دبیرکل ملل متحد فهرست اسامی کلیه کسانی را که بدین ترتیب نامزد شده‌اند به ترتیب حروف الفباء و با ذکر نام دول عضوی که آنها را نامزد کرده‌اند تهیه و به دول عاقد این قرارداد تسلیم می‌کند.
۴. انتخاب اعضای کمیته در جلسه‌ای متشکل از کلیه دول عضو که از طرف دبیرکل ملل متحد در مقر سازمان ملل متحد دعوت می‌شوند انجام خواهد گرفت.
- در این جلسه که با حضور دو سوم دول عضو حائز اکثریت می‌شود کسانی به عضویت کمیته انتخاب می‌شوند که تعداد بیشتر و اکثریت مطلق آراء نمایندگان حاضر و رأی دهنده دول عضو را به دست آورند.
۵. الف - اعضای کمیته برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند. معذک دوره عضویت نه نفر از کسانی که در نخستین انتخابات به عضویت برگزیده می‌شوند پس از دو سال منقضی می‌گردد و رئیس کمیته بلافاصله پس از انجام نخستین انتخابات اسامی این نه عضو را به حکم قرعه تعیین می‌نماید.
- ب - برای جانشینی کارشناسی که به علل غیرمنتظره از ادامه و وظایف خود در کمیته دست کشیده، دولت متبوع او کارشناس دیگری را از میان اتباع خود مشروط به تصویب کمیته منصوب می‌کند.
۶. پرداخت هزینه و مخارج اعضای کمیته مادامی که در کمیته انجام وظیفه می‌کنند به عهده دول عضو خواهد بود.

ماده ۹

۱. دول عاقد متعهد می‌شوند گزارشی درباره اقدامات قانونی و قضائی و اداری و غیره که به منظور اجرای مقررات و مفاد این قرارداد معمول داشته‌اند در مواعد زیر به دبیرکل تسلیم نمایند که مورد مطالعه و بررسی کمیته قرار گیرد.

الف - ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قرارداد در مورد هر یک از دول

ب - متعاقباً هر دو سال یک بار و بعلاوه هر وقت که کمیته چنین تقاضایی بنماید. کمیته می‌تواند از دول عاقد تقاضای اطلاعات تکمیلی بنماید.

۲. کمیته هر سال گزارش اقدامات و فعالیت‌های خود را توسط دبیرکل به مجمع عمومی تسلیم می‌دارد و می‌تواند براساس مطالعه و بررسی گزارش‌ها و اطلاعات واصله از دول عضو پیشنهادها و توصیه‌هایی که دارای جنبه عمومی است بنماید. این پیشنهادها و توصیه‌های عمومی در صورت لزوم همراه با ملاحظات دول عضو به مجمع عمومی گزارش خواهد شد.

ماده ۱۰

۱. کمیته آئین نامه و مقررات داخلی خود را تعیین و تصویب خواهد کرد.

۲. کمیته هیئت رئیسه خود را برای مدت دو سال انتخاب خواهد نمود.

۳. دبیرخانه کمیته به عهده دبیرکل ملل متحد خواهد بود.

۴. جلسات کمیته عادتاً در مقر سازمان ملل متحد منعقد خواهد گردید.

ماده ۱۱

۱. هر گاه یکی از دول عضو، چنین تشخیص دهد که یکی از دول عضو مقررات قرارداد حاضر را مرعی و مجری نمی‌دارد، می‌تواند توجه کمیته را به موضوع جلب کند کمیته مراتب را به اطلاع دولت مربوطه می‌رساند. دولت مربوطه ظرف سه ماه توضیحات کتبی برای روشن شدن قضیه و عنداللزوم اقداماتی که ممکن بود به عمل آید تسلیم کمیته می‌کند.

۲. هر گاه ظرف شش ماه پس از اطلاع اولیه به دولت دریافت کننده موضوع از طریق مذاکرات دو جانبه یا از هر طریق دیگری که برای دو دولت مقدور باشد به صورت مرضی‌الطرفین حل و فصل نشود هر یک از دو دولت مزبور حق خواهد داشت که موضوع را مجدداً به وسیله یادداشتی به کمیته مرجوع دارد و مراتب را به دولت دیگر نیز اطلاع دهد.

۳. کمیته فقط در صورتی می‌تواند در مورد یک اختلاف طبق بند ۲ این ماده رسیدگی نماید که قبلاً اطمینان حاصل کرده باشد که کلیه طرق دادخواهی در حقوق داخلی که براساس اصول کلی مورد قبول حقوق بین‌المللی استوار باشد، مورد استفاده و توسل قرار گرفته است این قاعده در مواردی که آئین دادخواهی متضمن مواعد طولانی غیرمعقولی باشد اعمال نمی‌گردد.

۴. کمیته می‌تواند در مورد هر موضوعی که به آن ارجاع می‌شود اطلاعات تکمیلی دیگری که لازم بدانند از دول مربوطه بخواهد.

۵. در مواقعی که کمیته به موجب ماده حاضر مشغول بررسی موضوعی می‌باشد هر یک از دول ذینفع می‌توانند نماینده‌ای تعیین کنند که بدون داشتن حق رأی در تمام مدت رسیدگی در جلسات کمیته شرکت نماید.

ماده ۱۲

۱. الف - پس از آنکه کمیته کلیه اطلاعاتی را که لازم تشخیص می‌دهد تحصیل نمود و مورد بررسی و مذاقه قرارداد، رئیس کمیته کمیسیون سازش ویژه‌ای (که منبعت «کمیسیون» نامیده می‌شود) مرکب از پنج تن که ممکن است عضو کمیته باشد و یا نباشند تعیین خواهد کرد، اعضای کمیسیون با رضایت کامل طرفین اختلاف انتخاب می‌شوند و کمیسیون مساعی جمیله خود را به منظور یافتن راه حل دوستانه موضوع، که مبتنی بر احترام و مراعات مفاد قرارداد حاضر باشد، برای دول ذینفع به کار خواهد برد.

ب - هر گاه طرفین اختلاف ظرف سه ماه در خصوص ترکیب کمیسیون جزئاً یا کلاً به توافق نرسند آن عده از اعضاء کمیسیون که مورد توافق طرفین اختلاف قرار نگرفته‌اند با رأی مخفی و به اکثریت دو سوم آراء اعضای کمیته از بین اعضای خود کمیته انتخاب خواهند شد.

۲. اعضای کمیسیون من باب اهلیت و مقام شخصی خود خدمت می‌کنند و نباید از اتباع دول طرف اختلاف و یا از اتباع دول غیر عضو قرارداد حاضر باشند.

۳. کمیسیون رئیس خود را انتخاب و روش کار و آئین نامه داخلی خود را تعیین و تصویب خواهد نمود.

۴. جلسات کمیسیون عادتاً در مقر سازمان ملل متحد یا محل مناسب دیگری که کمیسیون تعیین کند منعقد خواهد گردید.

۵. دبیرخانه مذکور در بند ۳ ماده ۱۰ قرارداد حاضر در صورتی که اختلاف بین دول موجب تشکیل کمیسیون شود خدمات خود را در اختیار کمیسیون می‌گذارد.

۶. دول طرف اختلاف هزینه اعضای کمیسیون را بر اساس صورت برآوردی که به وسیله دبیرکل تسلیم می‌شود بالسویه پرداخت خواهند نمود.

۷. دبیرکل اختیار دارد در صورت لزوم پیش از آنکه دول طرف اختلاف هزینه‌های متعلقه را طبق بند ۶ این ماده تأدیه نمایند - هزینه اعضای کمیسیون را پرداخت نماید.

۸. اطلاعاتی که کمیته تحصیل و بررسی نموده است در اختیار کمیسیون قرار خواهد گرفت و کمیسیون می‌تواند از دول ذیربط تقاضای ارسال اطلاعات مربوطه دیگری را بنماید.

ماده ۱۳

۱. کمیسیون پس از بررسی همه جوانب موضوع گزارشی تهیه و به رئیس کمیته تسلیم می‌کند این گزارش مشتمل بر استنتاجات کمیسیون در مورد واقعیات مربوطه به اختلاف بین طرفین بوده و متضمن توصیه‌هایی که برای حل دوستانه اختلاف مناسب تشخیص می‌شود خواهد بود.

۲. رئیس کمیته گزارش کمیسیون را به هر یک از دول طرف اختلاف ارسال خواهد داشت. دول مذکور ظرف سه ماه موافقت یا مخالفت خود را با توصیه‌های مندرج در گزارش کمیسیون به رئیس کمیته اطلاع خواهند داد.

۳. پس از انقضای مهلت مقرر در بند ۲ این ماده رئیس کمیته گزارش کمیسیون را به انضمام اظهاریه‌های دول ذینفع برای سایر دول عاقد قرارداد ارسال خواهد داشت.

ماده ۱۴

۱. هر یک از دول عاقد قرارداد می‌توانند در هر موقع اعلام نماید که صلاحیت کمیته را برای دریافت و رسیدگی به شکایات و عرایض افراد با دسته‌هایی از اشخاصی که تابع آن دولت بوده و مدعی باشند که با نقض یکی از حقوق مصرحه در قرارداد حاضر از طرف آن دولت در معرض تعدی قرار گرفته‌اند به رسمیت می‌شناسد. کمیته هیچ عریضه یا شکایت راجع به دولتی را که مبادرت به اعلام چنین اعلامیه‌ای ننموده باشد، دریافت نخواهد داشت.

۲. هر یک از دول عاقد این قرارداد که شناسایی صلاحیت کمیته را طبق بند ۱ این ماده اعلام دارد می‌تواند در داخل نظام قضائی مملکتی خود، برای دریافت و رسیدگی به شکایات افراد یا دسته‌هایی از اشخاص که تابع آن دولت می‌باشند و مدعی هستند که با نقض یکی از حقوق مصرحه در قرارداد حاضر از طرف دولت مذکور در معرض تعدی قرار گرفته‌اند و سایر طرق دادخواهی که در دسترسشان بوده مراجعه نموده‌اند، مرجعی را ایجاد یا تعیین نماید.

۳. اعلام شناسایی که طبق بند ۱ این ماده صورت می‌گیرد و نام مرجعی که به موجب بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود توسط دولت مربوط به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم می‌شود و مشارالیه رونوشت آنرا برای سایر دول عاقد قرارداد می‌فرستد. اعلام شناسایی را می‌توان هر موقع از طریق ارسال یادداشت به دبیرکل سازمان ملل متحد مسترد داشت لیکن این استرداد در مورد عرایضی که کمیته تا آن تاریخ دریافت داشته مؤثر نخواهد بود.

۴. مرجعی که طبق بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود موظف است شکایات واصله را در دفتری به نام دفتر عرایض ثبت کند و نسخه‌های مصدق و متحدالشکل این دفتر همه ساله از طریق مناسب در اختیار دبیرکل قرار دهد محتویات دفتر مزبور افشاء نخواهد شد.

۵. هرگاه مرجعی که طبق بند ۲ این ماده ایجاد و یا تعیین می‌شود نتواند موجبات رضایت عارض یا شاکی را فراهم سازد عارض حق دارد ظرف شش ماه مراتب را به استحضار کمیته برساند.

۶. الف - کمیته هر عریضه‌ای را که به آن ارجاع گردد محرمانه به نظر دولت عاقدی که شاکی مدعی است مقررات این قرارداد را نقض کرده است می‌رساند لیکن هویت شخص و یا گروه افراد شاکی را بدون رضایت صریح شخص و یا گروه مذکور نمی‌توان فاش ساخت.
کمیته شکایاتی را که فاقد امضاء صریح باشد نخواهد پذیرفت.

ب - دولت مربوطه ظرف سه ماه پس از اطلاع از مفاد شکایت توضیحات و اظهارات لازم را که برای روشن شدن موضوع و عنداللزوم اقداماتی که ممکن بود به عمل آید کتباً به اطلاع کمیته می‌رساند.

۷. الف - کمیته با توجه به اطلاعاتی که دولت مربوطه و شخص شاکی در اختیار گذارده‌اند عرایض و شکایات را مورد بررسی قرار می‌دهد کمیته در صورتی شکایتی را مورد بررسی قرار خواهد داد که قبلاً اطمینان حاصل کرده باشد که شخص شاکی کلیه طرق دادخواهی داخل ممکن را مورد استفاده و توسل قرار داده است این قاعده در مواردی که آئین دادخواهی متضمن مواعید طولانی غیرمعقول باشد، اعمال نمی‌گردد.

ب - کمیته پیشنهادهای و توصیه‌های احتمالی خود را به اطلاع دولت مربوطه و شخص عارض خواهد رسانید.

۸. کمیته خلاصه عرایض واصله و در صورت اقتضاء خلاصه توضیحات و اظهارات دول مربوطه و نیز پیشنهادهای و توصیه‌های خود را در گزارش سالانه منتشر خواهد کرد.

۹. کمیته فقط در صورتی صلاحیت خواهد داشت وظایف مقرر در این ماده را انجام دهد که حداقل ده دولت عاقد این قرارداد صلاحیت آن را طبق مفاد بند ۱ این ماده به رسمیت شناخته باشند.

ماده ۱۵

۱. تا نیل به هدف‌های اعلامیه اعطای استقلال به کشورها و ملل تحت استعمار مندرج در قطعنامه ۱۵۱۴ (دوره ۱۵) مجمع عمومی مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مقررات قرارداد حاضر به هیچ وجه در برخورداری ملل مذکور از حق دادخواهی و شکایت که به موجب سایر اسناد بین‌المللی یا از طرف سازمان ملل متحد و سازمانهای تخصصی به آنان اعطاء گردیده است محدودیتی ایجاد نخواهد کرد.

۲. الف - کمیته متشکل طبق بند ۱ ماده ۸ قرارداد حاضر رونوشت شکایات واصل از ارگان‌های سازمان ملل متحد را که مشغول به مسائلی می‌باشد که با اصول و هدفهای قرارداد ارتباط مستقیم دارد دریافت خواهد داشت و درباره شکایات رسیده از سکنه اراضی تحت قیمومت و یا غیر خودمختار و یا به طور کلی از سایر سرزمین‌های مشمول قطعنامه شماره ۱۵۱۴ (دوره پانزدهم) مجمع عمومی که با مسائل منظور در قرارداد حاضر ارتباط دارد و ارگان‌های مذکور راجع به آن اقدام و رسیدگی می‌نمایند اظهار عقیده کرده و راجع به موضوع آن شکایات توصیه‌هایی به عمل خواهد آورد.

ب - کمیته رونوشت گزارش‌های ارگان‌های صالحه سازمان ملل متحد را در زمینه اقدامات قانون‌گذاری و قضائی و اداری یا هر اقدام دیگری که مستقیماً به اصول و هدف‌های این قرارداد مربوط می‌شود و توسط قوای اجرائی سرزمین‌های مذکوره در جزء (الف) این بند معمول گردیده است دریافت خواهد داشت و عقاید و پیشنهادهای خود را به اطلاع ارگان‌های مزبور خواهد رسانید.

۳. گزارش کمیته به مجمع عمومی حاوی خلاصه عرایض و گزارش‌های رسیده از ارگان‌های ملل متحد بوده و همچنین عقاید و توصیه‌های کمیته در خصوص عرایض و گزارش‌های مذکور خواهد بود.

۴. کمیته از دبیرکل سازمان ملل تقاضا می‌کند که کلیه اطلاعات مربوطه به هدف‌های این قرارداد و همچنین هر گونه اطلاعاتی که راجع به سرزمین‌های مذکوره در بند ۲ (الف) این ماده در اختیار دارد به کمیته ارسال دارد.

ماده ۱۶

مقررات قرارداد حاضر در مورد تدابیری که بایستی برای حل اختلافات و رسیدگی به شکایات اتخاذ شود بدون خلل به سایر طرق حل اختلاف و رسیدگی به شکایات راجع به موضوع تبعیضات که در اسناد اساسی سازمان ملل و یا اسناد مربوط به تأسیس مؤسسات تخصصی آن و یا در قراردادهای مصوبه سازمان ملل متحد در نظر گرفته شد، اجرا می‌شود و مقررات مذکور مانع از آن نخواهد بود که دول عاقد به سایر طرق حل اختلاف طبق موافقت‌نامه‌های بین‌المللی عمومی و یا خصوصی که بین آنان منعقد و مجری است توسل جویند.

بخش ۳

ماده ۱۷

۱. قرارداد حاضر برای امضای هر دولتی که عضو سازمان ملل متحد یا یکی از مؤسسات تخصصی آن بوده یا هر دولتی که اساسنامه دادگاه بین‌المللی دادگستری را امضاء کرده باشد و همچنین هر دولتی که از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای عضویت در قرارداد حاضر دعوت شود، مفتوح خواهد بود.

۲. قرارداد حاضر به تصویب خواهد رسید و اسناد تصویب آن به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم خواهد شد.

ماده ۱۸

۱. قرارداد حاضر برای الحاق هر یک از دول مذکور در بند ۱ ماده ۱۷ مفتوح خواهد بود.

۲. الحاق با تسلیم سند الحاق به دبیرکل ملل متحد انجام می‌گیرد.

ماده ۱۹

۱. قرارداد حاضر سی روز پس از تاریخ بیست و هفتمین سند تصویب و یا الحاق به دبیرکل سازمان ملل متحد لازم‌الاجراء خواهد شد.

۲. قرارداد حاضر برای دولی که آن را تصویب کنند و یا پس از تسلیم بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق بدان ملحق شوند سی روز پس از تاریخی که سند تصویب یا سند الحاق خود را به دبیرکل ملل متحد تسلیم نمایند لازم‌الاجراء خواهد بود.

ماده ۲۰

۱. دبیرکل سازمان ملل متحد متن قیود و شروطی را که احتمالاً دول در موقع تصویب این قرارداد یا الحاق به آن قائل شوند دریافت داشته و به کلیه دول عاقد یا دولی که ممکن است به قرارداد ملحق

شوند کتباً اطلاع خواهد داد. هر دولتی که به شرایط مذکور معترض باشد ظرف نود روز پس از تاریخ اطلاعیه مذکور به دبیرکل اطلاع خواهد داد شرط مورد بحث را نمی‌پذیرد.

۲. به قید و شروطی که با موضوع و هدف قرارداد حاضر غیرقابل جمع است و همچنین شروطی که اثر آن فلج ساختن فعالیت یکی از ارگان‌های مخلوق قرارداد حاضر باشد مجاز نخواهد بود و شروطی دارای وصف فوق تلقی می‌گردد که مورد اعتراض حداقل دو سوم دول عاقد قرارداد واقع شود.

۳. قیود و شروط قائله را می‌توان هر موقع به اطلاع کتبی به دبیرکل مسترد داشت اطلاعیه مذکور از تاریخ وصول نافذ و معتبر خواهد بود.

ماده ۲۱

هر یک از دول عاقد می‌تواند این قرارداد را با اطلاع کتبی به دبیرکل ملل متحد فسخ کند.

فسخ قرارداد یک سال پس از تاریخ وصول اعلامیه مذکور به دبیرکل نافذ خواهد بود.

ماده ۲۲

اختلافات بین دو یا چند دولت عاقد راجع به تفسیر و یا اجرای قرارداد حاضر که از طریق مذاکره یا از طریق دیگر مصرح در این قرارداد حل و فصل نشود بنا به درخواست هر یک از طرفین اختلاف به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع خواهد شد تا راجع به آن رأی دهد مشروط بر اینکه طرفین اختلاف در مورد راه حل دیگری توافق نکرده باشند.

ماده ۲۳

۱. هر یک از دول عاقد می‌تواند هر موقع کتباً از دبیرکل ملل متحد تقاضای تجدیدنظر در قرارداد حاضر را بنماید.

۲. مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره اقداماتی که باید عنداللزوم در مورد چنین تقاضائی اتخاذ گردد، تصمیم خواهد گرفت.

ماده ۲۴

دبیرکل سازمان ملل متحد جزئیات ذیل را به اطلاع کلیه دول مذکور در بند ۱ ماده ۱۷ قرارداد حاضر خواهد رسانید:

الف - امضاء و تصویب و یا الحاق به قرارداد طبق مواد ۱۷ و ۱۸،

ب - تاریخ اجرای قرارداد حاضر طبق ماده ۱۹،

ج - اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها و مکاتبات واصله طبق مواد ۱۴ و ۲۰ و ۲۳،

د - موارد فسخ طبق ماده ۲۱،

۱. قرارداد حاضر که متون انگلیسی و چینی و اسپانیایی و فرانسه و روسی آن دارای اعتبار یکسان می‌باشد در بایگانی سازمان ملل متحد ضبط خواهد شد.
 ۲. دبیرکل ملل متحد نسخه‌های مصدق این قرارداد را برای کلیه دولی که به یکی از طبقات مذکوره در بند ۱ ماده ۱۷ تعلق داشته باشد ارسال خواهد داشت.
- قرارداد فوق مشتمل بر یک مقدمه و بیست و پنج ماده منضم به قانون مربوط به قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی است.

اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی

مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲

اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی، مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲

با تایید مجدد اینکه یکی از اهداف اصلی ملل متحد، طبق منشور آن، اعتلا و حمایت از رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تمایز نژاد، جنس، زبان یا مذهب است،

با تایید مجدد اعتقاد خود به حقوق اساسی بشر، به منزلت و ارزش شخصیت انسان، به برابری حقوق مردان و زنان و ملت‌ها، بزرگ و کوچک، با خواست اعتلای احترام به اصول مندرج در منشور، اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون پیشگیری و مبارزه با جنایت کشتار جمعی، کنوانسیون بین‌المللی در باره لغو تمامی اشکال تبعیض نژادی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه در باره حذف تمامی اشکال نارواداری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا اعتقاد و کنوانسیون حقوق کودک، و نیز در سایر معاهدات مناسب بین‌المللی که در سطح جهانی یا منطقه‌ای تصویب شده و در قرارنامه‌هایی که میان دولت‌های گوناگون عضو سازمان ملل متحد منعقد گشته است،

با الهام از مفاد ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در باره حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی،

با توجه به اینکه اعتلا و حمایت از حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی در خدمت ثبات سیاسی و اجتماعی کشورهای است که این اقلیت‌ها در آن زندگی می‌کنند،

با تأکید بر اینکه اعتلای مستمر و تحقق حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی، ضمن آن که بخش جدایی‌ناپذیر تحول جامعه در تمامیت آن بوده و در چهارچوب دموکراتیک مبتنی بر قانونیت است و می‌تواند به تحکیم دوستی و همکاری میان مردمان و دولت‌ها یاری رساند،

نظر به اهمیت نقش سازمان ملل متحد در حمایت از اقلیت‌ها،

با توجه به کارهایی که قبلاً در نظام ملل متحد، به ویژه توسط کمیسیون حقوق بشر، سوکمیسیون مبارزه با معیارهای تبعیض‌آمیز، و حمایت از اقلیت‌ها انجام شده و سازمان‌هایی که با استفاده از میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر و دیگر معاهده‌های بین‌المللی حقوق بشر به منظور اعتلا و حمایت از حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی، ایجاد شده‌اند،

با قید اهمیت اقدامات سازمان‌های بین‌حکومتی (intergovernmental) و غیردولتی برای حمایت از اقلیت‌ها و پیشبرد و حمایت از حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی،

اعلامیه حاضر در باره حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی انتشار می‌یابد:

ماده اول

۱ - دولت ها در قلمروی خویش از موجودیت و هویت ملی یا قومی، فرهنگی، مذهبی یا زبانی اقلیتها حمایت می کنند و به برقراری شرایط تعالی این هویت کمک می نمایند.

۲ - دولتها تدابیری قانونی یا غیر آن که برای رسیدن به این هدف ها ضروری است، اتخاذ می کنند.

ماده ۲

۱ - افراد متعلق به اقلیت های ملی یا قومی، مذهبی و زبانی (که از این پس افراد متعلق به اقلیت ها نامیده می شوند) حق دارند از فرهنگ خود بهره مند شوند، به مذهب خویش عمل کنند و از زبان خود در خلوت و در اجتماع آزادانه و بدون هیچ گونه مداخله و تبعیض استفاده کنند.

۲ - افراد متعلق به اقلیتها حق دارند در حیات فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و دولتی مشارکت کامل داشته باشند.

۳ - افراد متعلق به اقلیتها حق دارند در سطح ملی و ، بسته به مورد، در سطح منطقه ای ، طبق روالی که مغایر با قوانین ملی نباشد، در تصمیماتی که مربوط به اقلیت آن ها یا منطقه ای است که در آن زندگی می کنند، سهم مؤثری داشته باشند.

۴ - افراد متعلق به اقلیتها حق دارند انجمن های خویش را ایجاد و اداره کنند.

۵ - افراد متعلق به اقلیتها حق دارند بدون هیچ تبعیضی، با سایر اعضای گروه خود و با کسانی از دیگر اقلیتها، رابطه آزاد و صلح آمیز بگیرند و حفظ کنند و نیز در فراسوی مرزها با شهروندان کشورهای دیگری که از طریق منشاء ملی یا قومی یا تعلق مذهبی یا زبانی پیوند دارند رابطه برقرار کنند.

ماده ۳

۱ - افراد متعلق به اقلیتها می توانند حقوق خود، به ویژه حقوقی را که در اعلامیه حاضر آمده است، به صورت فردی و نیز با دیگر اعضای گروه خود به صورت جمعی، بدون هیچ گونه تبعیض، اعمال کنند.

۲ - افراد متعلق به اقلیتها به خاطر اعمال یا عدم اعمال حقوق مذکور در اعلامیه حاضر نباید به هیچ شکل متحمل آسیبی شوند.

ماده ۴

۱ - دولتها، در صورت لزوم، تدابیری اتخاذ می کنند که افراد متعلق به اقلیتها بتوانند به طور کامل و واقعی حقوق بشر و تمامی آزادی های اساسی را، بدون هیچ گونه تبعیض و در شرایط برابری کامل در مقابل قانون، اعمال کنند.

۲ - دولت‌ها تدابیری اتخاذ می‌کنند به منظور ایجاد شرایط مناسبی که به افراد متعلق به اقلیت‌ها امکان دهد تا ویژگی‌های خود را عنوان کنند و فرهنگ، زبان، سنت‌ها و نیز آداب و رسوم‌شان را، جز در مورد اعمالی خاص که ناقض قوانین ملی و در تضاد با هنجارهای جهانی است، گسترش دهند.

۳ - دولت‌ها موظف‌اند در حد امکانات، تدابیر خاصی اتخاذ کنند تا افراد متعلق به اقلیت‌ها امکان یادگیری زبان مادری یا کسب آموزش به زبان مادری خود را داشته باشند.

۴ - دولت‌ها موظف‌اند، در صورت لزوم، تدابیری در زمینه‌ی آموزش اتخاذ کنند تا آگاهی از تاریخ، سنت‌ها، زبان و فرهنگ اقلیت‌هایی که در قلمروی آن‌ها به سر می‌برند، تشویق شود. افراد متعلق به اقلیت‌ها باید امکان یادگیری و شناخت جامعه در تمامیت آن را داشته باشند.

۵ - دولت‌ها موظف‌اند تدابیر خاصی اتخاذ کنند تا افراد متعلق به اقلیت‌ها بتوانند در پیشرفت و توسعه اقتصادی کشور خود به نحوی همه‌جانبه مشارکت کنند.

ماده ۵

۱ - سیاست‌ها و برنامه‌های ملی با در نظر گرفتن کامل منافع مشروع افراد متعلق به اقلیت‌ها تنظیم و به اجرا گذاشته می‌شوند.

۲ - برنامه‌های همکاری و مشارکت میان دولت‌ها با در نظر گرفتن کامل منافع مشروع افراد متعلق به اقلیت‌ها تنظیم و به اجرا گذاشته می‌شوند.

ماده ۶

دولت‌ها موظف‌اند در مسائل مربوط به افراد متعلق به اقلیت‌ها، به ویژه با تبادل اطلاعات و داده‌های تجربی برای بالا بردن اعتماد و تفاهم متقابل همکاری کنند.

ماده ۷

دولت‌ها موظف‌اند برای اعتلای رعایت حقوق مذکور در اعلامیه حاضر همکاری کنند.

ماده ۸

۱ - هیچ‌یک از مواد اعلامیه حاضر نمی‌تواند مانع انجام وظایف بین‌المللی دولت‌ها در قبال افراد متعلق به اقلیت‌ها شود. به ویژه، دولت‌ها موظف‌اند با حسن نیت به وظایف و تعهداتی که به عنوان قرارداد یا توافق‌های بین‌المللی به عهده گرفته‌اند، عمل کنند.

۲ - اعمال حقوق مذکور در اعلامیه حاضر خدشه‌ای به برخورداری هیچ‌کسی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شناخته شده جهانی وارد نمی‌آورد.

۳ – تدابیری که از جانب دولت‌ها برای تضمین برخورداری واقعی از حقوق مذکور در اعلامیه ی حاضر اتخاذ شده اند، اساساً نباید به عنوان نافی اصل برابری موجود در اعلامیه جهانی حقوق بشر تلقی شوند.

۴ – هیچ یک از مواد اعلامیه حاضر را نمی توان چنان تفسیر کرد که هیچ گونه اقدامی را علیه اهداف و اصول ملل متحد، از جمله علیه برابری کامل، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها مجاز شمارد.

ماده ۹

نهادهای تخصصی و دیگر سازمان‌های ملل متحد در حوزه هایی که در صلاحیت هر یک از آن هاست، به عملی شدن کامل حقوق و اصول مذکور در اعلامیه حاضر کمک می کنند.

اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد

مصوب ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱

نظر به اینکه یکی از اساسی‌ترین اصول منشور ملل متحد، حیثیت و برابری لاینفک همهٔ آحاد بشر است و همهٔ دولت‌های عضو، جداگانه یا به اشتراک، متعهد شده‌اند با همکاری سازمان ملل متحد به منظور گسترش و تشویق رعایت مؤثر و جهان‌شمول حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی برای همه‌گان، بدون تبعیض نژادی، جنسی، زبانی یا مذهبی عمل کنند،

نظر به اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر، بیانگر اصول عدم تبعیض و برابری در مقابل قانون و حق آزادی اندیشه، وجدان، مذهب یا اعتقاد است،

نظر به اینکه بی‌توجهی و نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی، به ویژه حق و آزادی اندیشه، وجدان، مذهب یا هر نوع اعتقاد، مستقیم یا غیر مستقیم منشاء جنگ‌ها و رنج‌های گرانی است که به بشریت تحمیل شده، به خصوص در مواردی که بدل به وسیله‌ای برای مداخلهٔ بیگانه در امور داخلی کشورهای دیگر می‌شود و به همان میزان آتش‌کین‌خواهی را در میان مردم و میان ملت‌ها شعله‌ور می‌کند،

نظر به اینکه مذهب یا عقیده برای معتقدان‌اش یکی از بن‌مایه‌های اصلی مفهوم زندگی است و اینکه آزادی مذهب یا عقیده باید به تمامی محترم شمرده شده و تضمین گردد،

نظر به اینکه پیشبرد تفاهم، رواداری و احترام به آزادی مذهب یا عقیده، اساسی است، و نظر به لزوم منع استفاده از مذهب یا عقیده برای نیل به اهداف مغایر با منشور و دیگر اسناد سازمان ملل متحد و اصول اعلامیه حاضر،

با اعتقاد به اینکه آزادی مذهب یا عقیده، در عین حال، باید به تحقق اهداف صلح جهانی، عدالت اجتماعی و دوستی میان مردمان و از میان رفتن ایدئولوژی‌ها یا اعمال استعماری و تبعیض نژادی یاری دهد،

با ابراز خرسندی از تصویب چندین معاهده، تحت توجهات سازمان ملل متحد و نهادهای تخصصی، و به اجرا درآمدن برخی از آنها به منظور حذف اشکال مختلف تبعیض،

با ابراز نگرانی از تجلیات نارواداری، و وجود تبعیض در زمینهٔ مذهب یا عقیده که هنوز در بخش‌هایی از جهان دیده می‌شود،

مصمم به اتخاذ همهٔ تدابیر لازم برای حذف سریع تمامی اشکال و تجلیات این نارواداری و چاره‌اندیشی و مبارزه با هر نوع تبعیض بر پایهٔ مذهب و عقیده،

اعلامیهٔ حاضر در بارهٔ محو همهٔ اشکال نارواداری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده را اعلام می‌کند:

ماده نخست

۱ - هر کس حق دارد از آزادی اندیشه، وجدان و مذهب برخوردار باشد. این حق متضمن آزادی داشتن مذهب یا هر نوع عقیده و هم چنین آزادی ابراز مذهب و عقیده، به صورت فردی یا جمعی، چه آشکار و چه پنهان، از طریق عبادت و انجام آیین‌های مذهبی، عمل و آموزش مذهب است.

۲ - هیچ کس نباید تحت فشاری قرار گیرد که بتواند آزادی داشتن مذهب یا عقیده ای را که به اختیار برگزیده، خدشه دار کند.

۳ - آزادی ابراز تعلقات مذهبی یا عقیدتی، هیچ محدودیتی ندارد، جز آنچه از طریق قانون پیش بینی شده و برای حفظ امنیت و نظم عمومی، سلامت یا اخلاق یا آزادی‌های بنیادی دیگران ضروری است.

ماده دوم

۱ - هیچ کس نمی تواند به خاطر مذهب یا عقیده اش از طرف دولت، نهاد، گروه، یا هیچ فردی مورد تبعیض قرار گیرد.

۲ - در اهداف اعلامیه حاضر، مراد از اصطلاح‌های "نا رواداری و تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده" هر نوع تمایز، طرد، رجحان دادن یا تحدید مبتنی بر مذهب یا عقیده است که هدف یا نتیجه آن ابطال یا محدود ساختن به رسمیت شناختن، بهره‌مند شدن یا کاربرد حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی بر اساس برابری است.

ماده سوم

تبعیض میان موجودات بشری به خاطر مذهب یا عقیده، تعرض به شأن انسانی و انکار اصول منشور ملل متحد است و باید به مثابه نقض حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی اعلام شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر محکوم شود و مشروحاً، در میثاق‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و به عنوان مانع مناسبات دوستانه و صلح آمیز میان ملت‌ها قید گردد.

ماده چهارم

۱ - همه دولت‌ها تدابیر مؤثری برای جلوگیری و رفع هر نوع تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده، با به رسمیت شناختن، به کار بستن و بهره‌مند شدن از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی در همه زمینه‌های زندگی مدنی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اتخاذ خواهند کرد.

۲ - همه دولت‌ها کوشش خواهند کرد با تصویب قوانین یا، بسته به مورد، با الغای قوانین جاری برای ممنوعیت هر گونه تبعیضی از این نوع، تدابیر شایسته برای مبارزه با نارواداری مبتنی بر مذهب یا عقیده، اتخاذ کنند.

ماده پنجم

۱ - والدین یا، در صورت مقتضی، قیم‌های قانونی کودک حق دارند زندگی در خانواده را مطابق با مذهب یا عقیده خود و با توجه به آموزش اخلاقی‌ای که از نظر آن‌ها کودک می باید طبق آن تربیت شود، سازمان دهند.

۲ - هر کودکی، به لحاظ مذهبی یا عقیدتی، حق دارد از آموزشی مطابق با خواست والدین یا، بسته به مورد، قیم‌های قانونی خود، بهره‌مند شود و نمی‌توان او را، در مورد مذهب یا عقیده، وادار به کسب آموزشی کرد که مخالف با تمایلات والدین یا قیم‌های قانونی اوست. اصل محوری، منافع کودک است.

۳ - کودک باید در برابر هر شکلی از تبعیض مبتنی بر مذهب یا عقیده محافظت شود. او باید در فضای تفاهم، رواداری، دوستی میان مردمان، صلح و برادری جهانی، احترام به آزادی مذهب یا عقیده دیگران، و با آگاهی کامل از این که انرژی و استعداد های او باید در خدمت هم نوعان اش به کار آید، تربیت شود.

۴ - در مورد کودکی که تحت سرپرستی والدین و قیم های قانونی نیست، خواستی که از جانب ایشان بیان شده یا هر مدرک دیگری که درباره تمایل آنان در زمینه مذهب یا عقیده به دست آمده، چنان که باید در نظر گرفته خواهد شد، اصل محوری، منافع کودک است.

۵ - انجام فرایض مذهب یا عقیده ای که کودک در [فضای] آن پرورش یافته، نظر به بند ۳ نخستین ماده اعلامیه حاضر، نباید به سلامت جسمی یا روحی و رشد همه جانبه او آسیبی وارد آورد.

ماده ششم

طبق ماده نخست اعلامیه حاضر و با رعایت بند ۳ ماده یاد شده، حق آزادی اندیشه، وجدان، مذهب یا عقیده، از جمله شامل آزادی های زیر می شود:

الف) انجام فرایض یک آیین و برگزاری جلسات مذهبی یا عقیدتی، ایجاد و نگاهداری اماکنی برای این اهداف،

ب) آزادی تأسیس و حفظ نهادهای خیریه یا بشردوستانه،

ج) آزادی تهیه، کسب و استفاده از اشیاء و لوازمی که از طریق مراسم و یا از راه مذهب یا عقیده، فراهم شده است،

د) آزادی نوشتن، چاپ و پخش نشریه در باره این موضوعات،

ه) آزادی آموزش مذهب یا عقیده در مکان های مناسب با این هدف،

و) آزادی درخواست کمک های داوطلبانه، مالی و غیره از افراد و نهادها،

ز) آزادی تربیت، انتصاب، انتخاب یا تعیین رهبران مربوطه به توالی و بر حسب نیازها و هنجارهای هر مذهب یا عقیده،

ح) آزادی رعایت ایام تعطیل و برگزاری جشن ها و مراسم بر طبق تعالیم مذهبی یا عقیدتی،

ط) آزادی ایجاد و برقراری رابطه با افراد و جماعات در زمینه مذهب یا عقیده، در سطح ملی و بین المللی.

ماده هفتم

حقوق و آزادی های مطروحه در این اعلامیه در قوانین کشوری مورد تأیید قرار می گیرند، تا هر کس بتواند در عمل از حقوق و آزادی های یاد شده بهره مند شود.

ماده هشتم

هیچ یک از مواد اعلامیه حاضر را نباید چنان تفسیر کرد که محدود کننده یا ناقض یکی از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر باشد.